

ژرفش بحران در جمهوری اسلامی

* کنترل کلیه امور کشور به یک "کمیته مشترک" سپرده شد. این کمیته برقرار از همه نهادهای جمهوری اسلامی قرار دارد

خود را برای دوران پس از خمینی آماده می‌کنند. اولین جلسه کمیته مذکور دو هفته پیش، بعد از اشغال حزب جمهوری اسلامی با حضور احمد خمینی در محل مجلس شورای اسلامی تشکیل گردید. در این جلسه اعضای "کمیته مشترک" هیاتی را از میان نهادهای شرکت کننده انتخاب کردند. وظیفه این هیات تهیه دستور جلسات و پیگیری تصمیمات در مراحل اجرایی است.

خبر تشکیل این کمیته نخستین بار توسط منتظری به هنگام دیدار نمایندگان مجلس با وی در قم اعلام شد. در این دیدار منتظری ابراز امیدواری کرده بود که جلسات آن بتواند به "اختلافات و هرج و مرج" خاتمه دهد.

در روز سه شنبه ۱۲ خرداد، هاشمی رفسنجانی طی یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی تشکیل یک کمیته مشترک به منظور "هماهنگی بین مسئولین" و کنترل امور کشور را اعلام داشت. رفسنجانی گفت "ضرورت‌ها" باعث اتخاذ این تصمیم شده است. منظور از "ضرورت‌ها" همان بحران لاعلاج رژیم فقه‌گست که اشغال ارکان‌های قدیمی و ایجاد ارکان‌های جدید را ایجاب کرده است.

بنابراین گفته رفسنجانی، در این کمیته علاوه بر خود وی، رئیس جمهور و رئیس دیوان عالی کشور، موسوی نخست وزیر، اعضای شورای عالی قضایی، هیات وزیران، روسای کمیسیون‌های مجلس و اعضای شورای نگهبان نیز حضور دارند. ترکیب کمیته همچنین نشان می‌دهد که مسئولین جمهوری اسلامی

بازار متشکل نمی‌شود

* سران بازار برای فتح کامل وزارت بازرگانی خیز برداشته‌اند

اندازه کافی سهم بازار را در نظر نمی‌گیرد، بپذیرد. خاموشی از سخت‌گویان عمده بازار و سرپرست اتاق بازرگانی در این زمینه در هشتمین جلسه سینار بحث و بررسی پیرامون مساله تورم در دانشگاه ملی در دیماه ۶۲ گفته بود، "لایحه بودجه می‌گوید سیاست ما جذب بخش خصوصی است. اما چرا بخش خصوصی جذب نمی‌شود؟ مایه گرییم اعتماد کافی وجود ندارد. سیاست‌گذاری‌ها بسیار عالی است ولی نحوه اجرا باید اعتماد را جلب کند."

در دیماه ۶۲ کار درگیری بین کمیته امور صنفی و وزارت بازرگانی به روزنامه‌ها کشید. در تاریخ ۸ دی ۶۲، وزارت بازرگانی طی اطلاعیه‌ای کمیته امور صنفی را غیر قانونی اعلام کرد. کمیته امور صنفی نیز در همان روز با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام نمود در طی گرد همایی اعضای هیات مدیره ۱۲۶ اتحادیه صنفی زیر پوشش این کمیته، تصمیم گرفته بقیه در صفحه ۲

سعید امانی نماینده مجلس و یکی از سخت‌گویان عمده سران بازار، در سخنرانی پیش از دستور خود در روز ۵ خرداد ضمن حمله شدید به وزیر بازرگانی، اعلام کرد که بنابر دستور خمینی، به زودی شورای مرکزی اصناف تهران تشکیل خواهد گردید و بدین ترتیب سران بازار متشکلتر خواهند شد.

"شورای مرکزی اصناف تهران" از دل یک درگیری سه ساله بین سران بازار و وزارت بازرگانی سر برمی‌آورد. در تاریخ ۶۲/۲/۲۶ وزارت بازرگانی - که به جای عسکر اولادی، جعفری در راس آن قرار گرفته بود - نمایندگان اتحادیه‌های اصناف را برای تشکیل مجمع امور صنفی فرا خواند. هدف وزارت بازرگانی رسیدن به هماهنگی بیشتر با کمیته امور صنفی، از طریق حضور نمایندگان از این وزارتخانه در کمیته مذکور بود. اما کمیته امور صنفی حاضر نبود کوچکترین نظارتی را از جانب وزارت بازرگانی که معتقد بود در زمینه‌های اجرایی به

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۶۶ برابر ۱۵ ژوئن ۱۹۸۷
بها ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۶۱

افتخار بر زندانیان سیاسی حماسه آفرینان اسارتگاههای ارتجاع

شکند گاه‌های رژیم خمینی جلوه‌گاه حرکات اعتراضی و جمعی زندانیان سیاسی شده است. در فاصله شش ماه، از آذرماه سال گذشته تاکنون در زندانهای اوین و کوهردشت، این مهمترین مراکز شکنجه و کشتار مبارزین، زندانیان سیاسی سه بار بشكل گسترده در برابر شکنجه گران و دژخیمان سینه سپر کرده و با شلاق و سرنیزه آنان بمقابله پرداختند. اعتصاب غذای زندانیان در شکند گاه‌های اوین و کوهردشت در آذرماه سال گذشته، خودداری یکپارچه زندانیان کوهردشت از رفتن به حیاط زندان برای سرشماری، بخاطر اعتراض به رفتار توهین آمیز و خشونت بار زندانبانان و اعتصاب غذای اخیر در زندان اوین بخاطر اعتراض نسبت به اچهار دروژه گرفتن، بیانگر شکل گیری وضعیتی نوین در رژیم سترگ زندانیان سیاسی است. در نبرد سهمگین جاری در سردابه‌های حکومت ولایت فقیه میان زندگی و شرف انسانی و حقیقت پاسبیعت و سیاه اندیشی و خونخواری، تعادلی نوین به سود اسیران پایمرد برقرار گشته است. ارتجاع شکستی دیگر و ضربه ای دیگر متحمل شده است. بر این حکم مکتب می‌کنیم. در رژیمی که هنوز عریده‌هایی نفرت انگیز هر چند خفه شده در کلو، در زمینه تبدیل زندان بقیه در صفحه ۱

اجلاس سران هفت کشور امپریالیستی

هفته گذشته اجلاس سران آمریکا، کانادا، بریتانیا، فرانسه، آلمان فدرال، ایتالیا و ژاپن در وین برگزار شد. با اینکه بررسی مشکلات اقتصادی جهان سرمایه داری مهمترین دستور کار این اجلاس بود، کشورهای شرکت کننده نتوانستند به موضع مشترکی در رابطه با مهمترین مسائل اقتصادی شامل نرخ بایین دلار، حمایت دولت‌ها از صنایع داخلی در برابر رقبای خارجی و ممانعت از تجارت آزاد دست یابند. رهبران کشورهای نامبرده برای لاپوشانی عدم موفقیت خود در عرصه اقتصادی، بخش سیاسی اجلاس را برجسته کردند.

اجلاس وینر سه قطعنامه سیاسی صادر کرد. قطعنامه نخست، درباره مناسبات این کشورها با کشورهای سوسیالیستی است. در این قطعنامه رهبران کشورهای امپریالیستی از پاسخ به پیشنهاد های خلع سلاح پیمان ورشو طفره رفته‌اند و در مقابل، تاکید کرده‌اند که به سیاستهای اتحاد شوروی باید همچنان

در این شماره

● انتشار گزارش سازمان عفو بین الملل درباره نقض حقوق بشر در ایران

در صفحه ۱۰

● روند چماق کشی علیه یکدیگر در حزب چماق کسان

در صفحه ۳

● خوابی که خمینی برای لبنان دیده است

در صفحه ۷

● دین و سیاست در هند

در صفحه ۷

"هشیارانه" برخورد کرد. قطعنامه دیگر اجلاس وینر به مبارزه با تروریسم اختصاص دارد و در آن، هفت کشور بزرگ غرب بر مواضع اجلاس قبلی خود در توکیو تاکید کرده‌اند. طرح این قطعنامه، خارج از انتظار مفسران و فاقد هرگونه زمینه‌ای در رویدادهای جهان بود.

قطعنامه سوم، در مورد جنگ ایران و عراق است. این قطعنامه خواهان پایان این جنگ شده، اما هیچگونه تعریفی از "اقدامات" موثر و عادلانه ای که به تعبیر آن باید توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد در جهت پایان دادن به جنگ صورت پذیرند، ارائه نداده است. قطعنامه، در مورد فروش اسلحه از سوی کشورهای امپریالیستی و به ویژه آمریکا به رژیم خمینی سکوت کرده است. در قطعنامه، از موضع آمریکا مبنی بر افزایش حضور نظامی در خلیج فارس به بهانه "به خطر افتادن امنیت کشتی رانی" پشتیبانی به عمل آمده است.

بازار متشکل ترمی شود

بقیه از صفحه اول
مقدمات تشکیل مجمع امور صنفی و شورای مرکزی اصناف فراهم گردد. کمیته امور صنفی با انتشار این اطلاعیه در واقع به بازار فرمان بسیج داد. مجمع عمومی اصناف، که در این اطلاعیه بدان اشاره شده بود، در تاریخ ۱۶ دی ماه تشکیل شد و برای انتخاب "شورای عالی اصناف" تمهیدات لازم را فراهم کرد و سه تن از سران بازار به اسامی حاج محسن لپانی، حاج مجتبی قائم مقامی و حاج محمد نکوئیان را به سمت هیأت رئیسه انجمن نظارت بر انتخابات صنفی تهران برگزید.

درگیری بین کمیته امور صنفی تهران و وزارت بازرگانی بالاخره منجر به آن شد که بازار تهران، ظاهراً دارای دو کمیته امور صنفی شود؛ کمیته امور صنفی میشتکی و کمیته امور صنفی تشکیل شده از سوی وزارت بازرگانی. این کمیته دوم در روز ۸ بهمن ۶۲ طی اطلاعیه ای آرم، آدرس و شماره تلفن خود را درج و انتشار داد. در این اطلاعیه به وجود یک کمیته امور صنفی دیگر اشاره نشد و مضمون این اطلاعیه این شبهه را پدید می آورد که کمیته سران اصناف تنها آرم و آدرس خود را عوض کرده است. کمیته امور صنفی بلافاصله این اقدام وزارت بازرگانی را محکوم کرد و آن را غیرقانونی دانست.

تاکتیک اصلی سران بازار پس از تشدید این درگیری ها آن شد که بر مبنای قانون نظام صنفی به سمت تشکیل شورای مرکزی اصناف حرکت کنند. در اواسط ششم بهمن ماه ۶۲ سران اتحادیه های بازار اعلام شد که انتخابات شورای مرکزی اصناف، روز ۵ اسفند ۶۲ برگزار می گردد. در ضمن سران بازار برای بسیج بیشتر، طی اطلاعیه ای با امضای کمیته امور صنفی، اصناف و بازاریان را فراخواندند تا در روز ۱۲ بهمن ۶۲ بهانه مراسم "دهه فجر" در سالن ۱۲ هزار نفری مجموعه ورزشی آزادی گرد هم جمع شوند. کمیته امور صنفی برای قدرت نمایی بیشتر، در کیهان یک آگهی یک صفحه ای به چاپ رساند و در بالای آن تهدیدکنان این عبارت خفنی را درج کرد "اگر بازارها همراهی نمی کردند، انقلاب پیروز نمی شد. بازار است که همه را نکه داشته است."

این گروه و اکانشهای سریع و صریح سران بازار، موضوع را از حد یکی از مسائل گریبانگیر وزارت بازرگانی و کابینه موسوی فراتر برد و قضیه به چماران کشیده شد. سران بازار از طریق آخوندی نفوذی به نام توسلی از وزارت بازرگانی به نزد خمینی - آنگونه که از گفته های اخیر سعید امانی (که در آغاز این مقاله

بدان اشاره داشتیم) برمی آید - به آخوند کروب، ماموریت ویژه داد تا برای حل و فصل اختلافات کمیته امور صنفی و وزارت بازرگانی بکوشد. ضمناً خمینی برای این که سران بازار به پشتیبانی او کاملاً دلگرم باشند، در پیام ۲۲ بهمن ۶۲ خود بخش مهمی را به مدح و ثنای آنها اختصاص داد و "دخالت دادن کسانی که در تجارت واردند" را از "امور ضروری" دانست. به دنبال این پیام و در پی واکنش های سران بازار، وزارت بازرگانی از در مصالحه وارد شد و ضمن پا پس کشیدن در زمینه تشکیل یک کمیته امور صنفی تحت نظارت خود، از زبان معاون شبکه های توزیع وزارت بازرگانی با خواسته تشکیل شورای مرکزی اصناف موافقت کرد و اعلام نمود "هر رشته صنفی می تواند مقدماً اتحادیه ای را تشکیل و نمایندگانی را انتخاب و سپس از میان افراد انتخاب شده، روسای شوراهای مرکزی اصناف را انتخاب خواهند کرد و این منتخبین، مجری قانون نظام صنفی در هر شهرستان می باشند. این شوراهای وظیفه دارند که قیمت ها را مشخص کرده و نظارت کامل بر عملکرد اصناف داشته باشند." با این که این قبیل اظهارات، به معنی پیروزی سران بازار در کشاکش چند ماهه بود، اما رضایت کامل آنان را جلب نمی کرد. وزارت بازرگانی بهانه تشکیل اتحادیه ها و انتخاب نمایندگان آنان را برای تشکیل شورای مرکزی اصناف پیش کشیده بود، در حالی که سران بازار معتقد بودند اتحادیه ها حی و حاضر وجود دارند، نمایندگان آنهاست و درنگ در امر تشکیل شورای مرکزی اصناف، موردی ندارد.

در این میان، رفت و آمد به چماران همچنان ادامه داشت. در تاریخ ۲۲ اسفند ۶۲ خمینی در دیدار با عسکر اولادی، وزیر سابق بازرگانی و از سران عمده بازار، تأکید کرد که "من شما را می شناسم. شما افراد خوب و سالمی هستید. باید در جهت تفاهم و دوستی گام بردارید و از آن جهت که حسن نیت دارید، مشکلاتان حل می شود." وی در ادامه این سخنان چکیده موضع خود در مورد درگیری های وزارت بازرگانی و کمیته امور صنفی را چنین بیان داشت، "همه شما باید پشتیبان یکدیگر باشید. دولت پشتیبان بازار و بازار پشتیبان دولت." بدین ترتیب موقتا درگیری ها بر سر موضوع کمیته امور صنفی خاموشی گرفت.

مضمون این درگیری ها چه بود و چارچوب عمومی آن کدام است؟ رژیم جمهوری اسلامی رژیمی است بورژوازی، رژیمی است ضد خلقی که

شمی داند و خواهان درهم آمیزی تازه ای بر مبنای کمیته انباشته شده پیروزی های جناح مدافع خود است. این پدیده، در همه جا و بویژه در مجلس و بر سر نحوه برخورد به کابینه موسوی جلوه گر است. دو جناح مدام خود را متشکل تر می سازند. در همین راستا سران بازار نیز متشکل ترمی شوند و از خمینی نیز اجازه گرفته اند که مانع تراشی های وزارت بازرگانی را زیر پا نهاده و گام مهمی در راه شکل بیشتر خود بردارند.

تاکنون اتاق بازرگانی، سازمان اقتصاد اسلامی و صندوق های قرض الحسنه از مهمترین کانونهای متشکل سران بازار در شکل اقتصادی خود بوده اند. اکنون بازار از شکل مهمتری برخوردار می شود، شورای مرکزی اصناف که خمینی فرمان تشکیل آن را صادر کرده است.

سعید امانی در این مورد روندی را که به تشکیل این نهاد منجر شد، در نطق پیش از دستور خود، در مجلس این چنین شرح داده است، "پس از اوامر حضرت امام به وسیله جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای کروب، نسبت به مسائل کمیته امور صنفی، لازم بود مجمع امور صنفی با موجود بودن تمام جهات قانونی، تشکیل شده و شورای مرکزی اصناف را انتخاب و کار اقتصاد و امور اصناف به دست نمایندگان انتخاب شده خود آنها، حل و فصل گردد. متأسفانه جناب آقای وزیر بازرگانی که در تاریخ ۶۲/۲/۲۶ نمایندگان اتحادیه را برای تشکیل مجمع امور صنفی بنابر نامه شماره ۱۰۲۱۲ دعوت نموده، علی رشم توصیه حضرت امام و قائم مقام محترم رهبری و انجام وظیفه قانونی الی ده روز قبل که حدود سه سال می شود، با پیش آوردن انواع ایراد و اشکال به تعویق انداخته و پس از جلسات قعود و شکایات و گزارشهای مختلف به مقام رهبری و ریاست محترم جمهوری و ریاست محترم مجلس شورای اسلامی، مجدداً موضوع به محضر مبارک امام، بنابر گزارش و نامه ای که جناب آقای مهندس موسوی تقدیم نمودند، معروض و در طول انتخابات شورای مرکزی اصناف تهران، دستور انتخابات شورای مرکزی اصناف بقیه در صفحه ۶

کارکرد آن حفظ نظام سرمایه داری بحران زده ایران و سامان دادن بهره کشی سرمایه دارانه است. خصلت تئوکراتیک رژیم، روحانیت پیرو ولایت فقیه را در رأس هرم حکومتی قرار می دهد، استخوانبندی دستگاه قدرت را تعیین می کند و قانون را تابع فقه و قانونگزار و مجری قانون را تابع فقیه می سازد. تئوکراتیسم مبنای تمامیت گرایي رژیم است. تمامیت گرایي به دولت (که به هیچ رو صرفاً به معنی کابینه نیست) در همه عرصه ها نقش فایده می دهد. درگیری با یک بحران عظیم اجتماعی و اقتصادی، وزن بالای سرمایه دولتی در اقتصاد سرمایه داری ایران، و مساله عمده چنگ که بسیج همه امکانات انسانی و مادی جامعه و پناهر این سلطه بی چون و چرا بر آن ها را ایجاد می کند، خصلت تمامیت گرایي را تشدید می سازد. چنین وضعیتی در عرصه اقتصاد، برای حرکت آزاد سرمایه دشواری پدید می آورد. از همین رو در درون حکومت، بحث حدود و نقش دولت در زمینه های اقتصادی، به یک بحث عمده و مبنای مهم درگیری ها تبدیل می شود. دو جناحی که به دلیل این تناقض، در درون حکومت شکل گرفته اند، می کوشند بر هم سلطه یابند و همدیگر را محدود کنند. در همه عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی درگیری های این دو جناح جلوه گر می شود. در عرصه اقتصاد و سیاست اقتصادی نیز، اختلافات چه توبه خود، به این شکل و با آن شکل جلوه گر می شوند. مادر گزارش خود پیرامون درگیری های سران بازار با وزارت بازرگانی، یکی از جلوه های این اختلاف را بی گرفتیم. اهمیت این جنبه از بروز اختلاف چیست؟

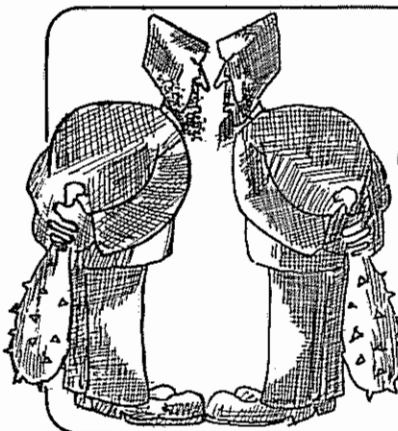
مقدماً باید گفت که اختلافات درون حکومتی، جهش وار پیش می روند. کمیته ها جمع شده و به شاکیان تجلی کیفی می یابند. در موضوع مورد بررسی ما، سالهای ۶۴ و ۶۵ سالیان انباشته شدن کمیته های بیشتری بودند. اکنون باید کیفیت تازه ای پدید آید. بازار حلقه محاصره را تنگ تر کرده و صرفاً به حمایت بی دریغ دستگاه اجرایی دولت، از نظام بازار مدار بسته نمی کند، درهم آمیزی این دورا کامل

تصحیح يك خبر

در شماره گذشته اکثریت همراه با اعلام خبر شهادت رفیق ابراهیم پورنیا، خبر شهادت یکی دیگر از زندانیان سیاسی، رفیق منصور انصاری نیز درج شده بود. گزارش تکمیلی که در این هفته به دست ما رسیده، حاکی از آن است که بخاطر تشابه اسمی در انتقال این خبر بی دقتی صورت گرفته بود. مطابق آخرین خبر رفیقی که بدست دژخیمان خمینی به شهادت رسیده است، رفیق مسعود انصاری و از اعضا گروه منشعب از سازمان در سال ۶۰ (پیروان بیانیه ۱۶ آذر) بوده است. ما با کرامی داشت یاد رفیق مسعود انصاری، از خوانندگان عزیز بخاطر اشتباه در ذکر نام کامل رفیق شهید و هویت سازمانی وی پوزش می طلبیم.

یاد رفیق مسعود انصاری جاودانه باد!

روند چماق‌کشی علیه یکدیگر در حزب چماق‌کشان



در روز ۱۲ خرداد با انتشار پاسخ خمینی به نامه خامنه‌ای و رفسنجانی در زمینه کسب تکلیف در مورد سرکشت حزب جمهوری اسلامی، در این حزب تخته شد. در نامه خامنه‌ای و رفسنجانی به خمینی آمده است: "احساس می‌شود که وجود حزب، دیگر آن منافع و فواید آغاز کار را نداشته و به عکس، ممکن است تحزب در شرایط کنونی، بهانه‌ای برای ایجاد اختلاف و دودستگی و موجب خدشه در وحدت و انسجام ملت گردد و حتی نیروها را صرف مقابله با یکدیگر و خفگی‌سازی یکدیگر کند." خمینی در پاسخ به این نامه، ضمن ابراز موافقت با تعطیل شدن حزب جمهوری اسلامی، تاکید کرده است: "امیدوارم همگی در این موقع حساس با اتفاق و اتحاد در پیشبرد مقاصد عالیه اسلام و جمهوری اسلامی کوشا باشید. ضمناً تذکر می‌دهم که اهانت به هر مسلمانی چه عضو حزب باشد یا نه برخلاف اسلام و تفرقه‌اندازی در این موقع از بزرگترین گناهان است." تذکر خمینی اتفاقی نیست. دسته‌بندی‌های درونی حزب چماق‌کشان که تاکنون زیر یک علم علیه یکدیگر چماق‌کشی می‌کردند، اکنون صف‌بندی‌های خود را آشکارتر می‌سازند. با انحلال حزب جمهوری اسلامی نه تنها از میزان دسته‌کشی در رژیم فقها کاسته نشده، بلکه بر حدت اختلافات و جناح‌بندی‌ها افزوده گردیده است.

حزب بودند و یک حزب همه جانبه و جامعی بود. در این حزب، خطوط مختلف فکری هم در آن جمع بود. آن موقع رسالت عمده حزب این بود که با مخالفان اسلامی شدن نظام، مبارزه بکند. "کپهان هوایی-۲ خرداد" به دلیل این ترکیب و این کارکرد بود که خمینی، بخشی از سهم امام خود را به این حزب اختصاص داد و به آن به چشم تجلی "حزب الله" می‌نگریست.

حزب "فراگیر" وزمزمه‌های انحلال

ما در شماره گذشته نشریه در مقاله "انحلال حزب جمهوری اسلامی، جلوه دیگری از بحران حکومت فقها" روندی را که به تعطیل شدن حزب جمهوری اسلامی منجر شد ترسیم کردیم و ریشه‌های این تحول را پی گرفتیم. در زمینه این روند مصاحبه ۱۲ خرداد هاشمی رفسنجانی با خبرنگاران داخلی و خارجی، برخی اطلاعات مشخص دیگر به دست می‌دهد. هاشمی رفسنجانی در این مصاحبه، در پاسخ به این سؤال که در حزب جمهوری اسلامی، برسر چه مسائلی اختلاف نظر وجود داشت، گفته است: "اختلاف از همین نوعی که در مجلس و اینجاها می‌بینید، مثلاً کاهی سر مسائل اقتصادی بعضی‌ها طرفدار بیشتر دولتی کردن بعضی موارد هستند، بعضی‌ها مخالف هستند. در مورد کاپینه‌هایی که تشکیل می‌شود، وزرایی که انتخاب می‌شوند، بعضی‌ها مخالف و بعضی‌ها موافق هستند. همین نوعی که شما در مجلس می‌بینید، معمولاً دو جریان یا سه جریان وجود دارد. در داخل حزب جمهوری اسلامی هم همین بود و غیر از این‌ها نبود." (کپهان هوایی-۲ خرداد)

اختلافات پدیده‌های فراگیر نیست. کاندیداهای انتخابات دوره دوم مجلس در سال ۶۲، به شدت بالا گرفت. هاشمی

رفسنجانی در مصاحبه اخیر خود در این مورد گفته است: "حزب جمهوری اسلامی در انتخابات گذشته، غیر از آخرین انتخابات، تقریباً فعالترین عنصر میدان انتخابات بود. در انتخابات مجلس گذشته، امام دستور دادند که از حوزه‌ای در حوزه دیگر دخالت نشود... چون حزب در مرکز تعیین می‌کرد و ممکن بود بر بعضی شهرستان‌ها تحمیل بشود." بنابراین، راه حل خمینی در سال ۶۲ برای کاهش اختلافات در درون حزب جمهوری اسلامی خود مختار کردن جناحها و کاستن از نقش عناصر اصلی رهبری کفنده و تصمیم گیرنده آن در "مرکز" بود. اما مسابقه آزاد بیشتر بر شدت اختلافات افزود. تقسیم جدیدی از قدرت در "مرکز" الزامی شده بود و مقاومت در برابر این امر، حزب جمهوری اسلامی را در آستانه انشعاب غلنی قرار داده بود. اینجا بود که عناصری همچون رفسنجانی، بر مبنای منطقی "یا یک حزب و یا هیچ حزب" به موضع انحلال حزب رسیدند. زمزمه انحلال حزب "فراگیر" به تدریج فراگیر شد.

از زمزمه‌های انحلال تا انحلال

رفسنجانی در مصاحبه خود گفته است: "حدود یک سال پیش خدمت حضرت امام رسیده و گفتیم که اجازه بفرمایید یا من و یا آقای خامنه‌ای در حزب نباشیم و یا این که حزب را منحل کنیم. امام در آن زمان اجازه ندادند و گفتند نه شما از حزب بروید و نه آن را منحل کنید. فقط فعالیت‌ها را محدود کنید." اما تشدید اختلافات، تشدید فعالیت‌ها را می‌طلبد. سخنرانی خمینی در این زمینه که حزب، فقط حزب الله و حزب الله فقط یکی است و مجموعه فید و بندگان حکومت فقهاتی، برای تشکیل حزب جدید مانع می‌توانید و از همینرو می‌بایست سرکشت بهره‌مندی از قدرت حزبی، در داخل خود حزب جمهوری اسلامی تعیین شود. هاشمی رفسنجانی در ادامه سخنان بالا گفته است: "حدود ۸-۷ ماهی فعالیت حزبی محدود شد و تقریباً نیمی از دفاتر حزب تعطیل شد و حالاً که انتخابات نزدیک است، ما احساس کردیم که اختلافاتی در درون حزب وجود دارد. یعنی افرادی که در حزب هستند با تمایلات گوناگون مسیر انتخاباتی را در پیش دارند و ما نمی‌توانستیم به همه امور برسیم مجدداً در شورای مرکزی حزب مطرح شد و تصمیم گرفته شد که فعالیت‌های حزب را متوقف کنیم و جریان‌ها خودشان

مستقلاً دنبال مسائل سیاسی بروند... در حضور امام راجع به این مسائل صحبت شد و ایشان موافقت کردند که ما کلیه فعالیت‌های حزب را متوقف کنیم." بالاخره برای این که موافقت خمینی به اطلاع همگان برسد و به سند تبدیل شود، خامنه‌ای و رفسنجانی به وی نامه نوشتند و خمینی به صورت مکتوب به ایشان پاسخ نوشت که با تعطیل حزب جمهوری اسلامی موافقت می‌شود.

رفسنجانی در مصاحبه خود در مورد تخته شدن در حزب جمهوری اسلامی واژه "انشلال" را به کار نبرده و در این مورد توضیح داده است: "البته فعلاً فعالیت حزب متوقف شده و حزب منحل نشده است. فقط خواستیم که تحت نام حزب فعالیت نکنیم. ولی اگر یک روزی شرایط کشور مانند اوایل انقلاب شود، حزب می‌تواند فعالیتش را شروع کند."

تأثیر بر روی انتخابات آینده

هاشمی رفسنجانی در مصاحبه ۱۲ خرداد در مورد تأثیر انحلال حزب جمهوری اسلامی بر روی انتخابات آینده مجلس، که از آن اکنون برسر آن کشاکش حادی جریان دارد، گفته است: "این بار ما به عنوان حزب دیگر کاندیدان نداریم. اما خوب افرادی که با حزب همکاری می‌کردند، خودشان این حق را دارند که مثل دیگران کاندید داشته باشند و در مبارزات شرکت بکنند." اما چه کسی پشت سر کاندیدها می‌ایستد؟ امام جمعه‌ها، ارگانهای حکومتی، شبکه‌های مختلف آخوندها از آیت‌الله‌ها گرفته تا روضه‌خوانها، انجمن‌های اسلامی، تشکلهای بازار و روزنامه‌ها و ارگانهای تبلیغاتی رنکارنگ دولتی و غیر دولتی همگی به میدان می‌آیند و با هم مصاف می‌دهند. بازار بودجه هنگفتی به مبارزه انتخاباتی اختصاص می‌دهد و ائمه جمعه و شبکه‌های آخوندها به کانال اصلی مبارزه انتخاباتی تبدیل می‌شوند. برسر امکانات تبلیغی دولتی نیز جنگ و دعوا می‌شود.

این مبارزه، مبارزه‌ایست فراتر از یک مبارزه انتخاباتی دوره‌ای. رژیم فقها در جریان این مبارزه، مجموعه تضادها و کشاکش‌های درونی خود را به نمایش خواهد نهاد. ستیز، افشاکری و خودافشاکری، نیتجه اساسی، تأثیری است که بر روی شفاخت بیشتر مردم از مامیت پلید حکومت فقها بر جا خواهد ماند.

زادیه جمهوری اسلامی، تلاش برای صلح پیبوده است

قلیبه، اعلام کرد، ماخواهان وادار کردن جمهوری اسلامی به آغاز مذاکرات صلح با پغد ادهستیم .
اعضای اتحادیه عرب متشکل از نمایندگان کشورهای عربستان سعودی تونس، مراکش، کویت، عراق، اردن و یمن شمالی، قرار است روز دوشنبه ۲۵ خرداد با اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل ملاقات کنند.
رادیو جمهوری اسلامی روز شنبه ۲۲ خرداد در پی اخبار نبروزی خود، طی تفسیری پیرامون تلاشهای جهانی برای قطع جنگ خلیج، هرگونه فعالیت جهت آغاز مذاکرات صلح را "تلاشهای پیبوده" خواند و خاطرنشان کرد که هر "ابتکاری" در راه صلح بدون قبول شرایط جمهوری "وقت گذرانی" است.

اعضای اتحادیه عرب روز شنبه ۲۲ خرداد با مقامات سازمان ملل در مورد اجلاس آتی شورای امنیت این سازمان که به منظور بحث پیرامون جنگ ایران و عراق تشکیل می شود، ملاقات کردند.
رادیو جمهوری اسلامی روز ۲۴ خرداد ضمن اعلام خبر فوق، افزود، شاذلی قلیبه دبیرکل اتحادیه عرب و رئیس کمیته مرکزی این سازمان، در دیدار خود با خاویر پیرز دوکوئیار دبیر کل سازمان ملل و دستیاران خاورمیانه ای وی خواستار صدور قطعنامه ای به منظور تحریم صدور اسلحه به جمهوری اسلامی و اعمال فشار به آن جهت قبول آتش بس و آغاز مذاکره با رژیم پغد اده شد.
همین گزارش حاکی است که سخنوری اتحادیه عرب در سازمان ملل نیز با تاکید بر سخنان شاذلی

اردوی نظامی برای دانش آموزان در تاپستان

۲۰ روز در جبهه تحت عنوان "طرح کاد" الزامی اعلام شده بود.
کلاس های آموزش نظامی برای اعزام به جبهه و تشکیل اردوهای ششوی مغزی و آموزش چهل و خرافه پاسخ رژیم به خواست ۱۱ میلیون دانش آموز برای ایجاد امکانات تفریحی، آموزشی و ورزشی برای گذران اوقات فراغت در تعطیلات تابستان است.

وزارت آموزش و پرورش و امور تربیتی استان تهران طی اطلاعیه ای که متن آن در رسانه های خبری بازنتاب یافته است اعلام کردند برای گذران اوقات فراغت دانش آموزان در تاپستان چندین اردوی آموزشی تدارک دیده اند.
در این اطلاعیه گفته شده است، آموزش قرآن، طرح مباحث عقیدتی، اصول عقاید، اخلاق و تاریخ اسلام، و آموزش نظامی بخشی از برنامه های دانش آموزان شرکت کننده در این اردوهاست.
طبق این اطلاعیه برای دانش آموزان دختر کلاسهای ویژه آموزش نظامی به مدت یک هفته ترتیب داده خواهد شد.
قبل از صدور دستورالعمل فوق نیز حضور دانش آموزان کلاس سوم و چهارم دبیرستان به مدت



از میان دیگر رویدادها

خبرگزاری جمهوری اسلامی یادآور شد مذاکرات معاون وزیر امور خارجه شوروی در تهران، در چارچوب گفتگوهای است که ولایتی چندی پیش با مقامات شوروی در مسکو داشته است.
ورنتسوف در دیدار با پشارتی بار دیگر بر موضع اتحاد شوروی مبنی بر قطع بی درنگ جنگ و آغاز مذاکرات صلح تاکید نمود.

● به نوشته آخرین شماره "کیهان هوایی" کارکنان محلی دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی در رم از روز دوشنبه ۱۱ خرداد، در اعتراض به اخراج یکی از همکاران خود، دست از کار کشیدند.

کارکنان اعتصابی به مدیریت دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی اعلام کردند که اخراج همکار آنان غیر قانونی است و آنان تا بازگشت وی به سر کار خود، به اعتصاب ادامه خواهند داد. این اعتصاب توسط دو سندیکای کارگری ایتالیا ترتیب یافته بود.

● اطلاعات ۱۲ خرداد - "مارتین پانگهمن" وزیر اقتصاد آلمان فدرال در دیدار با محمد جواد لاریجانی معاون امور بین الملل وزارت امور خارجه، آمادگی کشور خود را جهت برگزاری کمیسیون مشترک دو کشور اعلام نمود و اظهار کرد که وی برای شرکت در کمیسیون مذکور به تهران سفر خواهد کرد.

لاریجانی در آستانه اجلاس "ونیز" به منظور ارسال پیام موسوی شخصت وزیر به هلموت کول صدراعظم آلمان فدرال وارد این کشور شده بود.

● خبرگزاری جمهوری اسلامی خپرداد که یوری ورنتسوف قائم مقام وزیر امور خارجه اتحاد شوروی روز جمعه ۲۲ خرداد ماه به دعوت رسمی جمهوری اسلامی وارد تهران شد.

وی روز شنبه با پشارتی قائم مقام وزارت امور خارجه به مدت ۲/۵ ساعت پیرامون اوضاع خلیج فارس و منطقه و روابط دو کشور گفتگو کرد.

وزیر نبر ویر کنار شد

روز سه شنبه ۱۹ خرداد رادیو جمهوری اسلامی اعلام کرد ابوالحسن خاموشی بنا به تایید ریاست جمهوری جایگزین محمدتقی بانکی وزیر نیرو شد. انتشار خبر تغییر وزیر نیرو و صحت اخباری را که طی هفته های اخیر پیرامون تغییرات در کابینه موسوی در کشور مطرح شد تأیید کرد.

هاشی رفسنجانی در مصاحبه مطبوعاتی خود که یک روز پس از اعلام خبر تغییر وزیر نیرو صورت گرفت در پاسخ به سؤال یک خبرنگار در مورد تغییرات در ترکیب دولت گفت: "من این شایعات را نشنیده ام، جز این که یکی از وزرا از چندی قبل قصد استعفا داشتند که نمی دانم انجام شده یا نه."

در آتش سوزی دانشگاه اصفهان
۸۵ هزار جلد کتاب بکلی نابود شد

کنجینه فرهنگی ۸۵ هزار جلدی کتب کتابخانه دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان در آتش سوزی روز یکشنبه ۱۷ خرداد به کلی نابود شد.
کتابخانه ای که در شعله های آتش خاکستر شد علاوه بر کتب زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات عرب، مجموعه کرانهایی در زمینه تاریخ تمدن و علوم اجتماعی، تاریخ، جغرافیا و فلسفه قدیم را شامل می شد.

به نوشته روزنامه اطلاعات ۱۹ خرداد، بیست هزار جلد از ۸۵ هزار جلد کتاب این کتابخانه، کتب بسیار نفیس، بی نظیر و کمیابی بود که طی سی سال از نقاط دیگر جمع آوری و در آن ذخیره شده بود.

استادان دانشگاه و دانشجویان از این واقعه به عنوان یک فاجعه علمی و فرهنگی یاد می کنند.
مسئولین دانشگاه ضمن اعلام این خبر که دانشگاه ادبیات به علت آتش سوزی دیگر قابل استفاده نیست، عدم وجود یک سیستم اطفاء حریق و بی توجهی دولت را عامل این فاجعه می دانند.

پازدید موسوی از ترکیه

خبرگزاری جمهوری اسلامی روز شنبه ۲۲ خرداد، خپرداد که به دعوت تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه، میرحسین موسوی از روز دوشنبه ۲۵ خرداد ماه جاری به مدت ۲ روز از ترکیه بازدید رسمی به عمل خواهد آورد.

زمان سفر اخیر موسوی به ترکیه از ۲ ماه پیش به هنگام دیدار نبوی از آنکارا و ملاقات وی با نخست وزیر ترکیه تعیین شده بود. نبوی در این سفر یک قرارداد ۲ میلیارد دلاری را با دولت و سرمایه داران بخش خصوصی ترکیه امضا کرد.

روز چهارشنبه ۲۰ خرداد موسوی قبل از سفر به آنکارا با معاون وزیر امور خارجه ترکیه که به منظور شرکت در اجلاس همکاریهای سه جانبه ترکیه - ایران - پاکستان (اکو) در تهران به سر می برد، به طور خصوصی دیدار و گفتگو کرد.

در این اجلاس "اکو" که در چارچوب پیمان "آر-سی-دی" عمل می کند نمایندگان ۲ کشور تصمیم گرفتند یک بازار مشترک اسلامی و یک بانک عمران و سرمایه گذاری تشکیل دهند.

دانش آموزان اهواز

علیه جنگ و سیاستهای ارتجاعی رژیم

مخالفت باجنگ وحشیانه ایران و عراق
اعتراض به سیاستهای ارتجاعی رژیم در مدارس، در بین دانش آموزان کشور روزبه روز گسترش بیشتری می یابد. اشکال این اعتراضات متفاوت است. شهر به شهر و مدرسه به مدرسه باهم فرق می کند اما حاصل مشترک همه این اعتراضات مقاومت و مبارزه یکپارچه آنان علیه جنگ و اختناق است. در زیر چند خبر از مقاومت دانش آموزان اهواز در مقابله با مسئولین مدرسه این شهر را می خوانید.

● مقابله با اعزام اجباری به جبهه های بی بازگشت در میان دانش آموزان دبیرستان پاسارگاد (خیاط) بطور چشمگیری گسترش یافته است. چندی پیش عده ای از طرف ستاد جذب نیرو، برای اغوای دانش آموزان و فرستادن آنها به جنگ تکلیف به دبیرستان آمده بودند. آنها پس از ساعتی تبلیغات مزورانه و اغواگرانه، تعداد ۲۰۰ فرم اعزام به جبهه بین دانش آموزان پخش کردند که با پاسخ دندان شکنانه آنان روبرو شدند. از بین ۲۰۰ فرم توزیع شده، تنها ۲ فرم پر شد! مبلغین رژیم با مشاهده این وضعیت با عصبانیت مدرسه را ترک کردند.

● در دبیرستان پاسارگاد (سابق) اهواز، در یکی از کلاسها بر روی تخته سیاه، شعار مرگ بر خمینی نوشته شده بود. مسئولین دبیرستان، برای مقابله با این گونه اقدامات دانش آموزان، زبونه اقدام به انحلال کلاس مزبور نمودند.

● چند ماه پیش، در مدرسه ای واقع در زیتون کارگری، دانش آموزان به طور دسته جمعی اقدام به اعتراض یکساعته نمودند. این حرکت آگاهانه دانش آموزان در اعتراض به ورود غیرمجاز گشت کمیته به داخل مدرسه، جهت شکار یکی از دانش آموزان صورت گرفت. اعتراض دانش آموزان کمیته چپ ها را واداشت که بدون دستیابی به دانش آموز مورد نظر خود، مدرسه را ترک گویند.

● مسئولین رژیم در مدارس اهواز، به مناسبت های مختلف به دریوژگی از دانش آموزان می پردازند. مدتی پیش در بین دانش آموزان دبیرستانهای اهواز فلک های به شکل نارنجک جهت جمع آوری پول توزیع کردند. بسیاری از دانش آموزان، از جمله دختران دانش آموز دبیرستان روشنگر و پسران دانش آموز دبیرستان ماندانا بهای پول، و اشرار و رشک شوشا به در فلک ها ریختند!

● در مدرسه ماندانا (شجرات) دانش آموزان با سیاستهای ارتجاعی مسئولین مدرسه، مقابله می کنند. چندی پیش این مدرسه شاهد درگیری شدید دانش آموزان و مسئولین مدرسه بود. این درگیری در پی اخراج چند تن از دانش آموزان که شلوار چین پوشیده بودند، صورت گرفت. چندی بعد از این درگیری، دانش آموزان برای بار دوم در اعتراض به دستور مسئولین مدرسه، مبنی بر موظف نمودن دانش آموزان به کوتاه کردن موی سر بانمره ۴، شدیدتر از قبل به اعتراض پرداختند.

اعتصاب دو روزه کارگران پالایشگاه گاز کنگان

فعالیت پالایشگاه را متوقف ساختند.
در دومین روز اعتصاب، کارگران در پی اجتماع در محوطه کمپ، اقدام به بستن درهای خروجی و جلوگیری از حضور کلیه کارگران و کارکنان ایرانی در کارگاه نمودند. آژور از اجتماع کارگران ساعتی نگذاشته بود که مزدوران سپاه همراه با مامورین ژاندارمری کنگان (گارد ساحلی) وارد کمپ شدند. اما حضور سرکوبگران مانع عقب نشینی کارگران اعتصابی نشد. بالاخره شرکت ملی نفت، مجبور شد که نماینده ای بمنظور مذاکره با کارگران به کنگان بفرستد. مذاکره نماینده کارفرما و کارگران، به این نتیجه منتهی شد که کارگران چند نفر نماینده از بین خود انتخاب کرده و بمنظور مذاکره با مسئولین وزارت کار به بوشهر اعزام دارند. بدنبال این توافق، کارگران بعد از دو روز اعتصاب به سرکار خود بازگشتند.

مذاکرات نمایندگان کارگران در بوشهر، پس از پایان اعتصاب نمی توانست به نتایج مورد نظر بیانجامد. در بوشهر مسئولین وزارت کار و شرکت ملی نفت علاوه بر امتناع از پذیرش خواسته های برخی کارگران، نمایندگان کارگران را به دستگیری جمعی تهدید کردند.

اعتصاب کارگری پیروز مندر مشهد

مسئولین شرکت انجامید، مدیریت شرکت برای سرکوب حرکت خشمگین کارگران متوسل به مامورین ژاندارمری و کمیته شد. حضور سرکوبگران نیز نتوانست کارگران را از پیگیری خواسته شان باز دارد. با مقاومت کارگران، سرانجام مدیریت مجبور به پذیرش بخشی از خواسته کارگران شد و به افزایش حقوق کارگران تن داد. کارگران این شرکت در پی دستیابی به بخشی از درخواست خود، به اعتصاب خاتمه دادند.

کارگران پالایشگاه گاز طبیعی کنگان، در اعتراض به تصمیم شرکت پیمانکار مبنی بر عدم پرداخت عیدی، بمدت دو روز با اجتماع خود در مقابل کمپ شرکت بطور یکپارچه و متحد دست به اعتصاب زدند.

این پالایشگاه در استان بوشهر قرار دارد. کارفرمای آن، شرکت ملی نفت ایران و پیمانکار آن، شرکت مهندسی ایران و شرکت صنعتی ویلیم از کره جنوبی است. در این پالایشگاه حدود ۲۵۰۰ پرسنل ایرانی و کره ای مشغول بکار هستند که تقریباً ۱۰۰۰ نفر از آنان را کارگران و رانندگان و شاغلین رده های پایین شرکت تشکیل می دهند.

در روز ۲۴ اسفند ماه سال گذشته، کلیه کارگران ایرانی پالایشگاه، در پی اطلاع از تصمیم شرکت پیمانکار مبنی بر عدم پرداخت عیدی که بدنبال توافق با وزارت کار استان بوشهر صورت گرفته بود، با اجتماع خود در مقابل کمپ، از سوار شدن به اتوبوسها و حضور در سر کار خودداری نموده و خواستار دریافت عیدی شدند. شرکت پیمانکار بناگزیر با کارگران وارد مذاکره شد. اما از این مذاکره نتیجه ای برای کارگران حاصل نشد. از این رو کارگران ایرانی با عدم حضور در سرکار، ۹۰٪

چندی پیش، حدود ۵۰۰ تن از کارگران شرکت عمران و آبادانی مشهد، در پی اعتراضات مکرر خود نسبت به کمی حقوق و درخواست اضافه حقوق اقدام به اعتصاب نموده و دست از کار کشیدند. فردای روز اعتصاب مدیریت شرکت بی اعتنا به خواسته کارگران، اقدام به استخدام کارگران افغانی با نصف دستمزد کارگران شرکت نمود. این اقدام مدیریت پیش از پیش خشم و اعتراض کارگران را برانگیخت و به مقابله و درگیری کارگران با

رقابت بسیج و ژاندارمری در بندر چارک به درگیری مسلحانه انجامید

در این منطقه در کنار تاخت و تاز بسیجی ها و مامورین ژاندارمری، بیشترین سهم از این خوان یغما نصیب سرمایه داران می شود. آنها علاوه بر اینکه سهم کلانی در خرید اجناس از جزیره آزاد کیش از طریق ساخت و پاخت با مسئولین منطقه دارند، حتی با دادن مبلغ ناچیزی به روستائیان و زحمتکشان بیابان نشین، از شناسنامه آنها برای وارد کردن جنس از جزیره کیش استفاده می کنند. گاهی ۱۰۰ الی ۲۰۰ نفر برای یک سرمایه دار جنس وارد می کنند. از این طریق سودهای کلانی به کیسه گشاد سرمایه داران سرازیر می شود.

بخشداری چارک هم از غارت مسافریین بی نصیب نمانده است. آنها از هر مسافر مبلغ ۲۵ تومان مالیات می گیرند. و این در حالی است که نه در چارک و نه در کیش، کوچکترین امکانات برای مسافریین در نظر گرفته شده است. هزاران نفر که برای خرید کالاهای از قبیل شکر، برنج، روغن و... به جزیره می روند، نه جای خواب دارند و نه دسترسی به مواد غذایی. مسافریین مجبورند توشه خود را همراه داشته باشند.

بندر چارک یکی از مراکز عمده رفت و آمد مسافریین به جزیره کیش است. از وقتی که رژیم جزیره کیش را به عنوان بندر آزاد اعلام کرده است، بندر چارک به یکی از مراکز چهارول مسافریین توسط پایگاه بسیج و گروهان ژاندارمری تبدیل شده است. بسیجی ها و مامورین ژاندارمری مرتب بمنظور غارت مسافریین به سروکله هم می زنند. آنها سعی می کنند، سهم هر چه بیشتری از این خوان یغما را نصیب خود کنند و این رقابت گاهگاهی منجر به درگیریهای شدید مابین شان می شود. در ۲۵ اردیبهشت، درگیریهای مداوم این دو ارگان غارت، منجر به زد و خورد مسلحانه بین آنها شد. مامورین ژاندارمری با محاصره پایگاه بسیج، پس از مدتی زود خورد، بسیجی ها را مجبور به فرار کردند. در پی این درگیری، بسیج از سپاه پاسداران بندر لنگه استمداد طلبید که چندی بعد، فرمانده سپاه و فرمانده هنگ ژاندارمری بندر لنگه وارد چارک شدند و غائله موقتا خاتمه یافت و ظاهراً در جلسه ای حدود اختیارات ژاندارمری و بسیج در غارت اموال مسافریین و سرکشی کردن آنها مشخص شد.

زیر سایه کمک‌های نظامی آمریکا و اسرائیل

طی ماه‌های گذشته، افشای معاملات تسلیحاتی ایران با آمریکا، اسرائیل و سایر دول بلوک غرب، رسوایی رژیم آبروخته خمینی را جهانگیر کرد. انعکاس اخبار مربوط به این معاملات پنهانی سران حکومت فقها را در تنگنای شدیدی قرار داد. بویژه آنکه این افشاکاری‌ها نشان دادند که این معاملات از مدت‌پیش آغاز شده بود.

نشریه "اکثریت" که وسیعاً اخبار این معاملات را بازتاب داده است، در ادامه افشاکاری‌ها توجه خوانندگان را به گزارشی از روزنامه "جمهوریت" چاپ ترکیه، مورخ هفتم ماه مه سال جاری پیرامون چگونگی صدور سلاح‌های آمریکایی به ایران جلب می‌کند. در همین شماره نشریه، ترجمه سندی که توسط مأمورین پلیس قضایی فرانسه در اختیار مقامات قضایی این کشور قرار گرفته، درج می‌گردد. سند مزبور حاکی از فروش اسلحه اسرائیلی به دولت ایران در فروردین ماه سال ۱۳۶۰ یعنی شش ماه پس از شروع جنگ ایران و عراق است.

متن گزارش "جمهوریت":

صدور تسلیحات آمریکایی به ایران ادامه دارد

در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۵، در رابطه با فروش اسلحه توسط آمریکا به ایران، دومین پرواز جهت حمل سلاح به ایران، توسط هواپیمایی متعلق به شرکت هواپیمایی St. Lucia صورت گرفت. در این سفر، هواپیمای مزبور از فضای ترکیه عبور کرد.

این هواپیما از نوع هواپیمای باری (پرئینگ) ۷۰۷ بود که از خاک قهرس به پرواز درآمده بود و موشک‌های ضد هوایی "هاوک" حمل می‌کرد. شرکت هواپیمایی St. Lucia "در جزیره کوچکی به همین نام در منطقه کارائیب مستقر است. جمعیت این جزیره حدود ۱۴۰۰۰ نفر است.

طی تحقیقاتی که از شرکت St. Lucia به عمل آمده، معلوم شده است که این شرکت هواپیمایی ... در رابطه با "سیا" وظیفه حمل اسلحه به نقاط مختلف جهان را برعهده دارد. مدتی پیش در فرودگاه St. Lucia در آشیانه این هواپیماها حضور یافتیم. همان هواپیما که دارای شماره J. 651P است، در حال بارگیری اسلحه بود. چون معلوم شده بود این هواپیما برای ایران و همینطور برای شورشیان آنکولا - که علیه حکومت مارکسیست آنکولا می‌جنگند - سلاح حمل می‌کند، مدیر این شرکت دستور داده است که نام St. Lucia از روی هواپیما پاک شود. و به همین علت این هواپیما در پروازهای بعدی نام خصوصی نخواهد داشت ...

اکثر پروازهای این شرکت از بلژیک و آلمان غربی صورت می‌گیرد. در تاریخ ۲۴ فوریه، در روزنامه "واشنگتن پست" گزارشی در مورد حمل اسلحه به ایران توسط شرکت هواپیمایی St. Lucia درج شده. و

آشکار شد که هواپیمای این شرکت از آسان بلژیک و ترکیه عبور کرده است.

واشنگتن پست همچنین خبر از پرواز دیگری به ایران در تاریخ ۲۶ ماه مه ۱۹۸۶ داد. در این پرواز هواپیمای St. Lucia حامل موشک‌های ضدتانک از نوع "تاو" بود. آخرین بار در دوم آوریل ۱۹۸۷، تلویزیون INB آمریکا، در رابطه با اسنادی که از دولت ایالات متحده آمریکا بدست آمده فاش ساخت که ... هنوز هم ارسال اسلحه به ایران ادامه دارد. تلویزیون آمریکا فاش ساخت که در اوایل ماه مارس ۱۹۸۷، سلاح‌های آمریکایی که بر رویشان برچسب "لوازم یدکی ماشین‌آلات" زده شده بود، توسط شرکت هواپیمایی St. Lucia به تهران ارسال شد. طبق گزارش این تلویزیون هواپیمای شرکت نامبرده ابتدا در پاکستان توقف نمود و سپس عازم تهران گردید.

مقامات این شرکت - که مدیر آن دیتریچ راینهارت نام دارد - این بار پرواز ماه مارس به ایران را تایید کردند

سند اداره پلیس قضایی فرانسه،

صدور سلاح از اسرائیل به ایران

اداره پلیس قضایی - بخش بریکاد مالی بیست و ششم نوامبر هزار و نهصد و هشتاد و دو

ما، رنه واک، کمیسر پلیس، افسر پلیس قضایی و معاون بریکاد مالی، متذکر می‌شویم که در چهارچوب اجرای یک مأموریت بین‌المللی در فاصله ۱۵ تا ۲۰ نوامبر ۱۹۸۲ در لیسهون پرتغال بسربردیم.

اطلاعاتی را که در طی این مأموریت توانستیم جمع‌آوری کنیم به شرح زیر گزارش می‌کنیم، در رابطه با حمل جنس،

پروازهای زیر صورت گرفته است،

- (۲۱ مارس ۱۹۸۱) هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ شماره UK AXG پرواز شماره LY1875 از مبدأ تل‌آویو و حامل ۲۷۰۰۰ کیلوگرم بار در ساعت ۱۴ و ۲۰ دقیقه به وقت گرینویچ (در لیسهون) به زمین می‌نشیند و بارش را در محوطه بین‌المللی تخلیه می‌کند. اجناس حمل شده با عنوان "وسایل حفاری" حمل شده بوده‌اند.

این هواپیما در همان روز به تل‌آویو برمی‌گردد.

- (۲۱ مارس ۱۹۸۱) هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ شماره EPIH، پرواز شماره ۱۷۱۵ از مبدأ تهران و خالی در ساعت ۲۰ و ۵۶ دقیقه به وقت گرینویچ (در فرودگاه لیسهون) به زمین می‌نشیند.

- (۲۲ مارس ۱۹۸۱) تعیین یک هواپیمای باری از طرف شرکت

آرئود، شرکت مقاطعه کار در امور کمرکی، برای حمل ۱۹۷۲۰ کیلوگرم بار تحت عنوان "وسایل حفاری" به مقصد تهران و با پرواز شماره EP 1714

- (۲۳ مارس ۱۹۸۱) هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ شماره EPIH، پرواز شماره IR 4714، حامل ۲۷۰۰۰ کیلوگرم بار (علامت سوال از متن است) در ساعت ۲۲ و ۲۰ دقیقه به وقت گرینویچ به مقصد تهران پرواز می‌کند.

- (۲۵ مارس ۱۹۸۱) تعیین یک هواپیمای باری از طرف شرکت مقاطعه کار در امور کمرکی "آرئود" برای حمل ۲۲۶۰ کیلوگرم بار تحت عنوان "وسایل حفاری" به مقصد بندرعباس در ایران و با پرواز شماره BR 4714

۰۰۰/۰۰۰

بازار مشکل‌تر ... بقیه از صفحه ۶

تهران را صادر فرمودند و لذا پنده وظیفه خود می‌دانم از طرف بازار اسلامی تهران و اصناف متعدد و متدین، از محضر مبارک مقام معظم امام نهایت تشکر را داشته ... و اما آنچه برادر جناب آقای جعفری وزیر بازرگانی می‌باید توجه داشته باشند، تجدید نظر نسبت به رفتار گذشته در مورد اصناف متعدد و بازار اسلامی ایران است. " (رسالت - ۶ خرداد) سخنانی، از این جابه‌جده به کوپیدن وزارت بازرگانی و سیاست توزیع و شرخ‌گذاری این وزارت‌خانه، اختصاص دارد. در اینجا نماینده مجلس، از جانب سران بازار ضمن حمله به وزیر بازرگانی، خواهان آن می‌شود که توزیع کالاها و شرخ‌گذاری بر روی آنها، بطور درست در اختیار بازار اسلامی قرار گیرد. بی‌گمان صدای سخنگوی بازار، از جای گرم بیرون می‌آید. سران بازار دریافته‌اند زمینه برای طرح خواسته تجدید آرایش در زمینه درهم آمیزی

سرمایه‌داران بزرگ و دستگاه اجرایی دولت کاملاً فراهم گشته است. "شورای مرکزی اصناف" آماده است از جمله وزارت بازرگانی راه تسخیر کامل خود درآورد. کارکرد تشکلهایی از قبیل "شورای مرکزی اصناف" صرفاً اقتصادی نیست. اکنون بویژه پس از انحلال حزب جمهوری اسلامی، بر جنبه کارکرد سیاسی این کانونها افزوده می‌شود و آنان بیش از گذشته "غربی" می‌شوند. سرمایه اسلامی با این هدف قاطعانه روبه‌پیش می‌رود که بهرورکراسی دولتی و کاملاً تابع جفت تاریخا عین شده حیره و حوزه باشد. اما مسیر در پیش گرفته شده، به هیچ رومسیر همواری نیست. صرفاً اگر زاویه ساخت حکومت و خصایل آن نیز به موضوع نگاه کنیم. باید توجه داشته باشیم که تناقضات درونی حکومت، تناقضاتی عارضی نیستند و با پیش روی یا پس روی یک جناح حل نمی‌گردند. بحران مدام تشدید می‌شود، تعمیق می‌یابد و پایه‌های حکومت را لرزاندتر می‌سازد.

دین و سیاست در هند

نشرده ای از یک مقاله به قلم م. فاروقی

دبیر شورای ملی حزب کمونیست هند

هم داشته اند،

اولاً حکومت‌های پورژوایی در کشور (از کنگره گرفته تا دیگران) عموماً از این قاعده که در یک دولت غیرمذهبی (وبه ویژه در جامعه ای چند مذهبی مانند هند) باید میان دین و دولت جدایی اکیدی وجود داشته باشد، تخطی کرده اند. عملکرد دولت همراه با رسوم مذهبی ویژه یک دین خاص جاری شده و بدین ترتیب چنین القا کرده است که دولت با مذهب ویژه ای پیوند خورده است.

ثانیاً تلاش آگاهانه ای برای غیرمذهبی کردن آموزش و ترویج عقاید علمی و چشم انداز ترقی در نسل جوان به عمل نیامده است. در عمل بیش از یک نسل پس از استقلال، تحت تاثیرات مخرب قرار گرفته است. قشرین مذهبی اذهان جوانان را مسموم کرده اند.

ثالثاً احزاب پورژوایی برای تأمین منافع موقت سیاسی، به ویژه در هنگام انتخابات با نیروهای مذهبی سازش کرده اند. این امر به نوعی به احزاب، گروهها و شخصیت‌های مذهبی اعتبار بخشیده است.

این همه، زمینه مناسبی برای رشد نیروهای قشری فرقه ای و مذهبی فراهم آورده است. در حقیقت طی چهل سال که از کسب استقلال می گذرد، مبارزه سازمان یافته و پیگیری علیه این نیروهای تجزیه طلب صورت نگرفته است. نیروهای غیرمذهبی و دمکراتیک به گونه ای جدی به کار در میان مردم کم بهادارده اند.

در طی سالها، ما کمونیست‌ها همواره بر این موضع خود پافشاری کرده ایم که جامعه هند نیاز به غیرمذهبی شدن دارد و باید میان دین و دولت، میان دین و سیاست جدایی اکیدی باشد. ما خواستار ممنوعیت تبلیغات فرقه گرایانه شده ایم. اخیراً، در ماه اکتبر گذشته، س. راجسوارا راؤ دبیرکل حزب ما این موارد را در نشست‌های کمیته دانشی شورای ملی وحدت و اجلاس خود این شورا مطرح ساخت. بحث سودمندی درباره جدایی دین و دولت انجام گرفت. نخست وزیر در جمع بندی بحث قول داد گامی برداشته شود تا عملکرد دولت با رسوم مذهبی توأم نباشد. اما تاکنون هیچ اقدامی در این رابطه انجام نگرفته است. وزرای دولت مرکزی و دولتهای ایالتی همچنان به روشهای کهنه خود ادامه می دهند.

کارزاری در مقیاس سراسری هند برای جدایی دین از سیاست و دین از دولت، ضرورت لحظه است... باید نیروهای قشری فرقه گرا و مذهبی را شکست داد تا غیرمذهبی بودن دولت و وحدت ملی حفظ گردد.

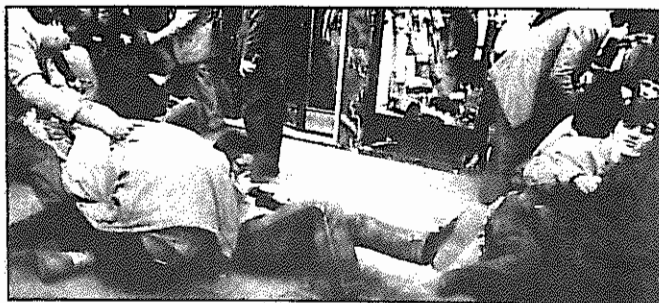
هندوستان پهناور، مبین صدها میلیون انسان است. صدها مذهب و مسلک و فرقه در این کشور بزرگ وجود دارند. در سالهای اخیر، درگیریهای خشونت بار میان پیروان ادیان و فرقه های مختلف از هندوها گرفته تا سیک ها و مسلمانان... گسترش یافته است. افراطیون مذهبی، شهرها و روستاهای هند راهب عرصه زد و خوردهای خونین تبدیل کرده اند. آخرین نمونه، رویدادهای ایالت اوتارپرادش بود که طی آن هندوها و مسلمانان قشری درگیر شدند. تروریسم سیک های افراطی نیز همچنان قربانی می گیرد.

نیروهای انقلابی و دمکراتیک در هند، در مورد این رویدادهای اسفبار و ریشه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن موضع روشن و قاطعی دارند. این موضع، ضمن در نظر گرفتن ویژگیهای ملی و فرهنگی، در عین حال دارای خصوصیات برخوردی طبقاتی نیز هست. برای آشنایی با سیاست حزب کمونیست هند در این رابطه، بخشهایی از مقاله "دین و سیاست" را که در شماره ۳ سال ۱۹۸۷ ماهنامه "زندگی حزبی" به قلم م. فاروقی، دبیر شورای ملی حزب کمونیست هند چاپ شده است، می آوریم. در این مقاله پس از اشاره به وقایع فوریه ۱۹۸۷ در پنجاب که ضمن آن جنبش توده ای گسترده ای در حمایت از وزیر اعظم این ایالت در برابر حملات روحانیون افراطی سیک شکل گرفت، آمده است و

دولت هند پناه قانون اساسی خود، غیرمذهبی است. اما در سالهای اخیر، نیروهای بنیادگرا و تاریک اندیش مذهبی و دینی رشد خطرناکی داشته اند و اساس غیرمذهبی بودن دولت را آماج حملات خود قرار داده اند. سازمان "ویشا هندو پاریشاد" خواهان آن است که هند، یک دولت هندو اعلام شود که در آن اقلیت‌ها به موضع شهروندان درجه دوم تنزل یابند. جمعیت اسلامی در کشمیر خواستار یک دولت اسلامی در کشمیر است و بنیادگرایان سیک (خالستانی‌ها و نظایرشان) یک دولت مذهبی سیک در پنجاب می خواهند، دولتی که در آن غیرسیک‌ها سهمی در قدرت سیاسی نداشته باشند.

نیروهای غیرمذهبی و دمکراتیک باید بدین پیاندیشند که چرا انواع و اقسام نیروهای مذهبی چنین حالت تهاجمی به خود گرفته اند؟ البته درست است که امپریالیسم از این نیروهای تجزیه طلب استفاده و آنها را تشویق می کند که کشور ما را بی ثبات سازند. اما این، همه چیز را توضیح نمی دهد. عوامل زیر نیز در این روند منفی جدی

افزایش فعالیت افراطیون مذهبی در ترکیه



حمله ماموران امنیتی ترکیه به دانشجویان در حمایت از افراطیون مذهبی

مسائل اصلی مبارزات دانشجویی را تحت الشعاع قرار داده بود و عملاً به تقویت مواضع نیروهای ماورا ارتجاعی اسلامی انجامید.

در ماه رمضان مذهبیون افراطی در دانشگاه وان یک دانشجوی غیر مذهبی را تحت عنوان "روزه خواری" به قتل رساندند. بدنهال این جنایت، شهردار وان اعلام کرد که این ماجرا را "نباید زیاد از حد بزرگ کرد" و عملاً از تحقیق قاتلان طفره رفت. بدنهال این حادثه، دو از میرمیتینگ بزرگی برپا گردید و طی آن، خواست مجازات قاتلان فاشیست دانشجوی دانشگاه وان، مورد تأکید قرار گرفت. پلیس به بهانه دادن شعارهای غیر قانونی به این تظاهرات حمله ور شد و عده ای را دستگیر کرد.

خواهی که خمینی برای لبنان دیده است

خیالی لبنان نقش دست نشانده رژیم فقهادر ایران داده شده است. "شورای رهبری" آخوندی لبنان، در آخرین مرحله در برابر "ولی فقیه" در ایران مسئول است. این شورا، ترکیبی از آخوندهای ایرانی و لبنانی است. حتی پرچم "لبنان اسلامی" نیز شبیه به پرچم جمهوری اسلامی خمینی خواهد بود.

در خوابی که خمینی برای لبنان دیده است، از افراد حزب الله و همدستان آنها در امل یک "سپاه اسلامی" تشکیل خواهد شد. طبق ماده ۱۴۸ این طرح، ارکان ویژه ای وظیفه تفتیش عقاید و "نظارت بر رعایت شئون اسلامی در سراسر کشور" را بر عهده خواهد داشت.

روزنامه لوماتن نوشته است رثوس طرح مژده یک سال و نیم پیش طی کنفرانسی در تهران تدوین شد. روند بررسی طرح در محافل حزب اللهی لبنان با ورود نیروهای سوری به مناطق بیشتری از این کشور در حدود سه ماه پیش، مختل شد.

طی ماههای اخیر در ترکیه فعالیت افراطیون اسلامی گسترش و شدت یافته است. دولت تورکوت اوزال که امیدوار است در انتخابات آینده بتواند آرای قابل توجهی از طرفداران افراطیون مذهبی به دست آورد، واکنش تأیید آمیزی در برابر گسترش فعالیت آنها دارد. از سوی دیگر خصومت شدید افراطیون مسلمان با کمونیستها و سایر نیروهای دمکراتیک عامل مشترک دیگری است که دولت اوزال را به آنها پیوند می دهد.

ماه گذشته دولت ترکیه قانون منع استفاده از پوشش سر در دانشگاهها را بدنهال اعمال فشار افراطیون مسلمان لغو کرد. اعلام این قانون و رویدادهای پیرو آن، مدت زیادی

به گزارش روزنامه فرانسوی لوماتن، از حدود یک سال پیش آخوندهای شیعه ایرانی و لبنانی مشغول تنظیم یک قانون اساسی برای لبنان هستند. این قانون اساسی تشکیل جمهوری اسلامی در لبنان را پیش بینی می کند.

رژیم خمینی برای آنکه به کشمکشها و رقابت‌ها میان آخوندهای لبنانی پایان دهد، برای آنها ۶۰ روز مهلت تعیین کرده است تا درباره طرح قانون اساسی ارائه شده اظهار نظر کنند.

طرح "قانون اساسی جمهوری اسلامی لبنان" توسط جلال الدین فارسی با همکاری رهبران حزب الله لبنان، از جمله شیخ محمد حسین فضل الله، حسین موسوی و عباس موسوی تهیه گردیده است. این طرح شامل شش فصل و ۱۵۷ اصل است و از روی قانون اساسی رژیم خمینی کپی برداری شده است.

در قانون اساسی دستبخت مزدوران خمینی، به دولت آخوندی

استراتژی و تاکتیک آشتی ملی

سخنران دبیرکل حزب دمکراتیک خلق افغانستان در پاسخ پرسشهای اعضای حزب



برفیک به شش ماه از اعلام سیاست "آشتی ملی" از سوی جمهوری جمهوری دمکراتیک افغانستان می گذرد. طی این مدت پیش از ۲ هزار تن از افراد مسلح که در گذشته علیه انقلاب می جنگیده، فراخوان و جمهوری افغانستان را پاسخ گفته و با از گشای دولتی توافق نامه مصالحه منعقد کرده اند. رفیق نجیب دبیر کل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان (ج. د. خ. ا.) اخیراً در نشستی با شرکت اعضای حزب به پرسشهای آنان پیرامون سیاست آشتی ملی پاسخ گفت. خلاصه شده این پرسش و پاسخ را جای می کنیم.

سیاست آشتی ملی، یک استراتژی است یا یک تاکتیک؟

آشتی ملی هدف استراتژیکی است که دستیابی بدان برای کل ملت و حزب به مثابه پیشاهنگ سیاسی او ضروری است. امروز، این هدف مفروض دور از دسترس است، اما توجه خود را بدان معطوف داشته و متی عمومی برای پیشروی در این سمت را ترسیم کرده ایم. از این نقطه نظر، سیاست آشتی ملی یک استراتژی است.

دستیابی بدین هدف مستلزم بهره گیری از اشکال، روش ها و سبک های متنوع و در هم تنیده کار است که یکدیگر را تکمیل می کنند. پایان دادن به دشمنی ها، تشکیل کمیسیونهای فوق العاده در همه سطوح تا بالاترین سطح، پیشبرد مذاکرات با طرف مقابل، کار مشترک در این کمیسیونها، اسکان مجدد بازگشتگان، توزیع عادلانه وام ها، بازسازی و تعمیر مساجد، راهها، پل ها، بیمارستانها و مدارس آسیب دیده در جنگ - این همه، شیوه های تاکتیکی در رسیدن به این هدف عمومی است. اما در حال، امروز مهمترین وظیفه فوری، دو چندان ساختن تلاشهایمان - تشدید واقعی کوششها تا حد سه و حتی ده برابر - برای قطع عملیات خصمانه در هر جا، رسیدن به توافق با طرف مقابل و درمان زخمهای متعددی است که هشت سال جنگ برادر کشی ایجاد کرده است. این، وظیفه درجه اول امروز ماست. امروز ما باید موثرتر از دیروز بدین مسائل بپردازیم.

آیا آشتی ملی نشانه وجود ضعف در حزب و دولت نیست؟

نه چنین نیست. آشنایی ضعیفند که از قدرت چشم می پوشند، از مسئولیت خود در قبال سرنوشت مردم و میهن خود می گریزند، به خارج می روند و در آنجا آغاز به کاری می کنند که خود آن را "مبارزه برای آزادی کشور" می نامند. ما قصد تهدید کسی را نداریم، اما نباید اشتباه شود. دولت ما از هر دولت قبلی در افغانستان نیروهای مسلح بیشتر و مجهزتری دارد. و علاوه بر این، هیچ دولت قبلی افغانستان چنین دوستان وفادار، نیرومند و یاری رسان بدون چشمداشتی نظیر دوستان ما نداشته است. این، نه مسئله ای مربوط به ضعف و قدرت، که امر مربوط به درک قوانین حاکم بر مرحله ملی - دمکراتیک انقلاب است. اگر ما تنها از عامل ضعف و قدرت حرکت کنیم، قادر خواهیم بود ضربات باز هم سهمگین تری به دشمن وارد آورده جنگ را به پایان بیاوریم و آن برسانیم. اما مسئله اینجاست که این جنگ در افغانستان، و نه در جایی دیگر خارج از آن، صورت می پذیرد. اگر این جنگ ادامه یابد، برای میلیون ها تن از مردم مرگ و رنج به همراه خواهد

آورد. مرگ جوانان ما می تواند کشور را از آینده محروم سازد. این، نمی تواند هدف انقلاب ما، حزب ویا دولت باشد.

این است علت اعلام سیاست آشتی ملی از سوی ما و به عمل در آوردن پیگیر آن. این سیاست نه از سوی یک فرد، بلکه به ابتکار کمیته مرکزی، دفتر سیاسی و دبیرخانه ج. د. خ. ا. اعلام شد. حزب دریافت که مبارزه مسلحانه راه دستیابی به راه حل سیاسی قریب الوقوع در افغانستان نیست.

دولت ملی چگونه برقرار شده و شکل خواهد گرفت؟

هم اکنون نیز ائتلاف، و یا به عبارت ساده دولت مشترک وجود دارد، عمل می کند، در سطوح روستا - بخش - منطقه تحکیم می یابد، به تدریج در سطح استان نیز شکل می گیرد و قطعاً به سطح ملی نیز خواهد رسید. پیش از چهار هزار تن از نمایندگان طرف مقابل به کمیسیونهای فوق العاده مصالحه در سطح محلی پیوسته اند. این، یک ویژگی حکومت ائتلافی در افغانستان است که از سطوح پایین آغاز می شود. البته آغاز کردن از بالا و سطوح میانی و پیشروی به سطوح پایین تر مستلزم تلاش و زمان کتری می بود. اما مسئله تنها به ما بستگی ندارد. نیروهای اصلاح ناپذیر و متعصب در طرف مقابل از مذاکره درباره دولت ائتلافی، یعنی همان ائتلاف "از بالا به پایین" که نام بر دم، سرباز می زنند. ما در مذاکرات را باز گذاشته ایم. ما صادقانه سهم خود را در پی نمودن راه به سوی ائتلاف ادا کرده ایم. اما ما در آستانه این در کشوده، منتظر نخواهیم ماند. ما دست به هر تلاشی برای گسترش و تقویت ارگانهای ائتلافی و ارتقای آنها به سطوح بالاتر چه در رابطه با نهادهای دولتی و کمیسیونهای فوق العاده و چه در رابطه با جبهه ملی و سازمانهای توده ای خواهیم زد.

طرف مقابل چه سمت هایی را احراز خواهد کرد؟ آیا می توانید افرادی را که می خواهید در قدرت سهم کنند، بطور مشخص بر شمارید؟ چند سمت و چه سمت هایی را خود حفظ خواهید کرد؟

دعوت ما خطاب به همه آشنایی است که خواهان دستیابی به توافقی بر مبنای آشتی ملی هستند. امروز ما بار دیگر می گوئیم که آماده گفتگو با نمایندگان گروههای اپوزیسیون درباره پیشنهادهای مشخص پیرامون تشکیل دولت ائتلافی هستیم. این گفتگوها می تواند در کابل و یا یک کشوری طرف انجام پذیرد.

ما بمل خاطر نشان سازم که دولت کنونی ما شامل چهار وزیر از رژیم های پیشین و ۲۵ فرد غیر حزبی است. شمار از رهبران پیشین گروههای مسلح مخالف، هم اکنون عهده دار مقامهای اجرایی در سطوح استان، منطقه و بخش هستند. این، نمونه ای از اجرای واقعی سیاست آشتی ملی است.

ما چگونه می توانیم با فلولدالها و نمایندگان و سفاتورهای دوران سلطنت آشتی کنیم؟ چگونه می توانیم با آشنایی که مرتکب قتل شده اند به مصالحه برسیم؟

پاسخ من این است که ما نمی خواهیم با همه فلولدالها، نماینده ها و سفاتورهای پیشین مصالحه کنیم، بلکه تنها با آن تعداد از آنها قصد صلح داریم که نظام جدید را به رسمیت می شناسند و نه برای احیای رژیم پیشین، بلکه برای فعالیت در راه آشتی ملی و سعادت مردم و کشور به میهن بازمی گردند. ما با آنها از موضع دوستانه گفتگو خواهیم کرد. اگر آنان حاضر به همکاری باشند، به آنها فرصت کار و زندگی در میان ما را خواهیم داد. اما اگر جنگ و دندان نشان دهند، سرنوشت بدی در انتظارشان خواهد بود.

ما ده ۱۲ اساسنامه ج. د. خ. ا. خواهان برخورد آشتی ناپذیر به دشمنان است. آیا این ماده، آشتی ملی را امکان ناپذیر نمی سازد؟ آیا این ماده تغییر خواهد کرد؟ آیا پس از تشکیل دولت وحدت ملی در برنامه و اساسنامه حزب اصلاحاتی صورت خواهد گرفت؟

البته باید در برابر دشمنان سوگند خورده حزب و انقلاب ما که بنام مردم انجام می گیرد، آشتی ناپذیر بود. بنابراین، ماده ۱۲ اساسنامه ج. د. خ. ا. نیازی به تغییر

ندارد. به نظر ما، تضادی میان این ماده و سیاست آشتی ملی نیست. منظور ما از آشتی ملی، سازش با آشنایی است که در جبهه مقابل ج. د. خ. ا. قرار ندارند. به عبارت دیگر، ما در پی آشتی با آن نیروهایی هستیم که در عین مخالفت با موضع ج. د. خ. ا. در برخی موارد، آماده ساختن یک افغانستان نوین، مرفقی و دمکراتیک در جبهه ای واحد با ج. د. خ. ا. هستند.

تنها زمان تعیین خواهد کرد که دولت وحدت ملی، یا به عبارت دیگر دولت ائتلافی - چه زمانی تشکیل خواهد شد. من مسئله را بدین گونه طرح می کنم زیرا تشکیل این دولت تنها بستگی به ما ندارد. به همین گونه نیز گفتن اینکه ترکیب و برنامه آن چه خواهد بود، دشوار است. تکرار می کنم، این امر تنها به ما بستگی ندارد.

ما در عین پذیرش برنامه یا پلاتفرم مشترک دولت ائتلافی که ممکن است در مواردی با برنامه حزب ما تفاوت داشته باشد، هویت و برنامه خود را حفظ خواهیم کرد. بگذارتاریخ در این مورد که کدام برنامه به بهترین وجه پاسخگوی منافع میهن و مردم ماست، قضاوت کند.

به ما می گویند که اشتقاق را تشویق نکنیم. اما هرگاه اشتقاقی را مطرح می سازیم، گفته می شود که این اشتقاق مغایر با مضبوطات پلنومهای کمیته مرکزی است.

انتقاد داریم تا انتقاد. اگر انتقاد سازنده باشد، در جهت بهبود امور باشد، قطعاً باید مورد توجه قرار گیرد. در عین حال انتقاد مرکز نباید حالت تهاجم به خود بگیرد.

هیچ فرد یا سازمانی نباید در ورای انتقاد قرار گیرد. جلساتی که اخیراً پاد ستور کار یکسان تشکیل شده است نشان داد اعضای حزب شجاعانه از ناسامانی ها، بدون توجه به افراد، انتقاد می کنند.

اگر گروههای ضد انقلابی به فراخوان آشتی ملی پاسخ داده و به خانه های خود بازگردند، آیا بستگان و خانواده های مقتولین آنها را خواهد بخشید؟

ما احساسات این بستگان را درک می‌کنیم. ما از آنها می‌خواهیم که دشمنان گذشته خود را ببخشند تا مصایب خلق ما و مصایب خود آنها ادامه نیابد و هم میهنان ما قربانیهای بیشتری متحمل نگرددند.

برخی ارگانهای حزبی و دولتی
نیازمند برقراری نظم، انضباط و انسجامند، چه تدابیری برای این منظور اتخاذ می‌شود؟

نظم، انضباط و وحدت نه بایک کارزار ویژه، بلکه با تلاش مستمر و سازمان یافته تحکیم می‌یابد. بعنوان نمونه، وحدت حزب را در نظر بگیریم. این، یک عامل مهم است که وضعیت حزب را تعیین می‌کند. مسائل مربوط به دستیابی به وحدت حزب یک بار برای همیشه قابل حل نیستند. در عین حال، این عامل به هیچ وجه مجرد نیست. امروزه برخورد اعضای حزب به مشی نوسازی فعالیت سیاسی ما، به سیاست آشتی ملی، معیار اساسی وحدت حزب است. هر سازمان و هر کمیته حزبی باید برای وحدت عمل در روند نوسازی و آشتی فعالیت کند.

همین امر در مورد انضباط و نظم صادق است. در مقطع فوق العاده کنونی ما باید سختگیری بیشتری در همه عرصه‌های زندگی حزبی و دستگاه دولتی داشته باشیم و علیه سبببین نقض انضباط و نظم، هر کس که باشند و هر مقامی که داشته باشند، اقدامات موثرتری انجام دهیم. این امر در اسانامه حزب نیز تصریح شده است.

شماری از اعضای حزب دست به عیاشی و مشربخواری می‌زنند، رشوه می‌گیرند و اختلاس می‌کنند. چرا تدابیر نیرومندی علیه آنها اتخاذ نمی‌شود؟ برخی مقامات حزبی و دولتی از اتومبیل‌های دولتی استفاده خصوصی می‌کنند، و برخی اعضای حزب آنگونه که شایسته انقلابیون است کار نمی‌کنند، در این مورد چه اقدامی صورت می‌گیرد؟

اینها سوالات برجسته است. هنگامی که آنها را خواندم فکر کردم، در اینگونه موارد حزب را براساس رفتار یک فرد می‌سنجند. بنابراین می‌خواهم تصریح کنم اشتباهات، حتی اشتباهات جدی را، که یک فرد مرتکب می‌شود، نباید به حساب کل حزب و جامعه گذاشت، اگرچه حزب عهده‌دار مسئولیت درستی و امانت هریک از اعضای خود است. حزب ما در مجموع سالم است، و اکثریت عظیم اعضای حزب از اسانامه حزب آکید و بدون انحراف پیروی می‌کنند. انحرافات که شا بر شمرده اید، به کارناکافی سازمانهای حزبی، کمبود انتقاد و انتقاد از خود، نقصان کنترل از بالا و از پایین، و نیز به این واقعیت برمی‌گردد که هنوز به میزان

کافی علنیت و صراحت وجود ندارد. آخرین پلنومهای کمیته مرکزی و نشستهای دفتر سیاسی و دبیرخانه کمیته مرکزی ح. د. خ. تصمیماتی در مورد مسائل مربوط به کادرها با هدف ریشه‌کن کردن این پدیده‌های زشت اتخاذ کرده‌اند. ما خواهان مواخذه آنهایی خواهیم شد که از قدرت خود و از اعتماد حزب به آنها سوء استفاده کرده و به ح. د. خ. ابر رفتار خود لطمه وارد آورده‌اند. سازمانهای محلی حزبی نیز فعالیت خود را افزایش خواهند داد.

چرا در شرایط حساسی که امروز در آن قرار داریم، ریاست شورای انقلابی موقتی است؟ این امر باعث شده است حزب تبلیغ کند که ظاهر شاه، پادشاه سابق به سمت رئیس شورای انقلابی منصوب خواهد شد.

در این مورد چه باید بگوییم؟ قانون اساسی جدید در حال تدوین است. رئیس جدید شورای انقلاب و یک مقام عالی کشوری مطابق قانون اساسی جدید انتخاب خواهد شد. نباید بگوئیم که حدس بر زمین مردم چه کس را ترجیح خواهند داد و انتخاب خواهند کرد.

دولت به مسئله ملیت‌ها چه برخوردی خواهد داشت؟

بگذارید صریحا بگویم که این امر مسئله بسیار حساسی است. بدین مسئله در روند رشد اقتصادی و اجتماعی ما پرداخته خواهد شد. برای حل این مسئله این اصل مدنظر قرار می‌گیرد، همه گروههای قومی و قباایل ج. د. ا. برابرند. برخی مسائل مناسبات قومی با روح حاکم بر اصول اساسی ج. د. ا. برشامه عمل ح. د. خ. ا. و پس از تصویب، قانون اساسی جدید ج. د. ا. حل خواهد شد. وزارت امور اقوام و ملیت‌های ج. د. ا. به قباایل و گروههای قومی معین کمک می‌کند. با این حال، کمیته مرکزی ح. د. خ. ا. و دولت می‌کوشند این کمک را افزایش دهند و رسیدن آن به همه آنهایی که بدان نیازمندند را تضمین کنند، امری که از همه چیز مهمتر است.

چرا ما باید ضد انقلابیون مذاکره می‌کنیم؟ هر چه باشد، ایدئولوژی ما و آنان درد و غلبه متضاد قرار دارد.

مانه برای حل اختلافات ایدئولوژیک، بلکه به منظور تلاش برای دستیابی به اهدافی که مدنظر همه افغانی‌ها است، یعنی قطع جنگ برادرکشی و تحقق زندگی صلح آمیز، با نمایندگان طرف مقابل مذاکره می‌کنیم.

کار بزرگی در زمینه روشنگری سیاسی میان بازگشتگان باید صورت گیرد. آیا می‌توانید در این مورد توضیح دهید؟

ما باید به این مردم کمک کنیم

که هر چه زودتر به خانه خود بازگردند و به امر ساختمان جامعه نوین بپیوندند. این، مهمترین امر و اولویت درجه اول ماست. این، نقطه آغاز کار سیاسی در میان بازگشتگان است، و کمیته مرکزی ح. د. خ. ا. و شورای وزیران دست اندرکار تدوین اقدامات فوق العاده برای بهبود این کار هستند.

ح. د. خ. ا. بر یک تلوری انقلابی و علمی بنیاد گذاشته شده است. موضع حزب در مورد اسلام چیست؟

ح. د. خ. ا. به عنوان یک حزب سیاسی و پیشاهنگ مردم، در عرصه سیاسی یک کشور مسلمان شکل گرفته است. حزب از منافع مردم افغانستان دفاع می‌کند و افکار و آرزوهای آنها را بیان می‌دارد. اکثریت عظیم مردم افغانستان پیرو مذهب اسلامند.

حزب، پایگاه اجتماعی دیگری ندارد. از این رو، دین اسلام و سنن مردمی مورد حمایت حزب قرار دارند. اعضای دولت امین محکوم به وفاداری شده‌اند. آیا آنها واقعا مجرمند؟

بیش از ۵۵۰۰ زندانی سیاسی تاکنون عفو شده‌اند که تعدادی از پیروان امین نیز در میان آنها هستند. روند عفو ادامه دارد. تنها کسانی که مستقیما درگیر قتل مردم بیگناه بوده‌اند، مشمول عفو نخواهند شد.

روایتی دیگر از فقیه...

بقیه از صفحه آخر

است - را پیشه نمود که "دریچه" المبینان سرریز شدن "عقده‌های انسانی" است و واکسن ضد "فساد اخلاقی" جامعه می‌باشد. حجت الاسلام مزبور برای استدلال این که ازدواج دائم و رواج تک همسری به صرفه اقتصادی نبوده و دست و پاگیر است، اظهار می‌دارد:

"پس نسبت به دین - که بالاترین نقطه است - می‌گوید اگر می‌خواهید دین خود را حفظ کنید باید دریچه‌های پائین را باز نگذارید. مثلا در اسلام دو نمونه ازدواج مطرح است، ازدواج دائم برای کسانی است که مقدورشان هست، و برای کسانی که نمی‌توانند نفقه همسر خود را بدهند و یا آنهایی که نمی‌توانند تعهدات زیاد وضع کرده است. اگر شرط ازدواج فی‌المثل داشتن خانه و امکانات دیگر باشد و اینکه تمام احتیاجات او را باید بتوانید رفع کنید در اینصورت شود درصد افراد اهل زنا خواهند شد، چون نود درصد طالبان ازدواج نمی‌توانند چنین مشکلاتی را رفع و

قرارداد دوستی با اتحاد شوروی
به ابتکار ترکی منعقد شد. پس چرا امام او در جریان مراسم سالگرد این قرارداد ذکر نکردید. ترکی شوبنده ادبی اوشه مطالعه رنه منتشر می‌شود. چرا پلای یادبودی برای او ساخته شده است؟ چرا عکس ترکی در جشنهای حزبی و انقلابی دیده نمی‌شود؟

قرارداد دوستی، حسن همجواری و همکاری میان ا. ج. ش. س. و ج. د. ا. به ابتکار ح. د. خ. ا. منعقد شد. بسیاری از رفقا مایل به دانستن موضع حزب و دولت مادر مورد میراث سیاسی و ادبی شورجند ترکی هستند. ح. د. خ. ا. همواره یادبنیانگذاران حزب را که خدمات زیادی به اعتلا و رشد جنبش انقلابی در کشور ما کرده‌اند، گرامی خواهد داشت. من در این رابطه از نورمحمد ترکی، بهرک کارمل و میراکبر خیبر نام می‌برم. سهم آنان در انقلاب فراموش نشدنی است. تا آنجا که به پناهای یادبود مربوط می‌شود، تاکنون سنت برپایی پلای یادبود برای شخصیت‌ها در کشور ما وجود نداشته است.

مروری بر تاریخ ح. د. خ. ا. که هم اکنون در دست تدوین است، تحلیلی علمی و انتقادی از فعالیت همه رهبران حزب ما به دست خواهد داد.

چنین وسائلی را تأمین کنند.

از نظریه مذهبی رژیم، راه جلوگیری از فساد اخلاقی در جامعه، عمومیت بخشیدن و رسیت دادن به این فساد در تمام جامعه است. خمینی ابرآخوند حکومت اسلامی در توضیح المسائل در باب ازدواج موقت آورده است، "عقد غیردائم آنست که مدت زناشویی در آن معین شود، مثلا زن را به مدت یک ساعت یا یک روز یا یک ماه یا یکسال یا بیشتر عقد نمایند و زنی را که باین قسم عقد کنند متعه و صیغه می‌نامند."

حجت الاسلام حاشی شیرازی بدین ترتیب اظهار می‌کند که ازدواج دائم به صرفه اقتصادی نیست و گران تمام می‌شود، در نتیجه مشکل "کم زنی" و یا "بی زنی" باعث مسائل روانی می‌گردد و تجویز می‌کند که راه برای متمولین چند زنی و برای محرومین ازدواج موقت و حتی یکساعتی است.

آخوندهای حکومت با چنین سخنانی چه نیکو چرک و عفوشت اندیشه مشغوشان را بازمی‌نمایانند. اما پای تاسر شکمان حاکم بر کشور خشت برآب می‌زنند، چرخ تاریخ از گردش نمی‌ماند و زن آزاده میهنمان برده نمی‌شود!

افتخار بر زندانیان سیاسی...

بقیه از صفحه اول

اقدامات مهیسته و متحد برای حمایت از زندانیان سودجوئیم.

برای لحظه‌ای تصور کنیم که اگر رژیم خمینی امکان آفرادداشت که از اشاعه هر خبری به بیرون از زندان‌ها جلوگیری و اگر می‌توانست درها و دریچه‌های زندان‌ها را مدت‌ها بسته نگاه دارد، آیا این حکومت جنایتکار در پناهک افکندن تمامی زندانیان مبارز و مقاوم سیاسی لحظه‌ای تردید بخود راه می‌داد؟ بی‌گمان نه. این امر پیش از پیش ما را به لزوم حمایت هرچه بیشتر از زندانیان سیاسی و رزم بی‌گیر در راه انعکاس هرچه گسترده‌تر رنج و رزم آنان رهنمون می‌سازد.

ویژگی تمامی حرکات اخیر زندانیان سیاسی همبستگی و اتحاد رزمجویانه زندانیان سیاسی با گرایشها و نظرات مختلف سیاسی - ایدئولوژیک بوده است. چگونه می‌توان رزم و پایداری زندانیان سیاسی را ستود و برای پشتیبانی‌شان احساس ضرورت و وظیفه کرد اما از همان سلاح یعنی همبستگی برای حمایت از آنان استفاده نکرد؟ و آیا عدم پذیرش عمل همبسته در این عرصه بدین معنا نیست که پذیرش اتحاد عمل برای این امر معین را به وجود بلاواسطه فشار و تیغ دژخیم مربوط کرده‌ایم؟ هیچ اختلاف سیاسی و ایدئولوژیک نمی‌تواند توجیه‌گر امتناع نیروهای مترقی در اقدامات همبسته در پشتیبانی از مجموعه اسیرانی که متحدان علیه رژیم می‌جنگند و به حمایت همبسته نیاز دارند، باشد. اشتراک مساعی برای افشای جنایات رژیم در قبال زندانیان سیاسی، بیش از آنکه نیروی افزون‌تری بیافریند، کیفیت شوبنی را ایجاد می‌کند. اکنون مبارزه در دفاع از زندانیان سیاسی لاینفک از مبارزه در راه اتحاد عمل نیروها در این عرصه نبرد علیه رژیم جمهوری اسلامی است. برای پیروزی در این عرصه نبرد همه امکانات را به کار گیریم.

به "دانشگاه" به گوش می‌رسد، در رژیمی که بر روی تکتک زندانیان فشارهایی بهیمنی برای ترک مواضع ایدئولوژیک - سیاسی اعمال می‌شود، در رژیمی که هر لحظه زندانیان را خطر تیرباران و پویژه تیرباران‌های جمعی و نیز به زیر شدیدترین شکنجه‌ها کشیده شدن، تهدید می‌کند، حرکات جمعی زندانیان و پویژه تداوم بر شکوه آن معنایی خاص دارد. اعتراض زندانیان سیاسی چپ علیه روزه گرفتن اجباری، خود به معنای به رسمیت شناساندن شکست رژیم در غلبه بر اراده زندانیان و به معنای تثبیت زندان به‌مثابه یک واحد و یک واقعیت سیاسی - ایدئولوژیک و رودرویی نظام حاکم است. در رژیم تئوکراتیک و خودکامه ولایت فقیه این، پیروزی بزرگی محسوب می‌شود. تلاش‌های رژیم برای ایجاد فضای وحشت و تسلیم در زندان‌ها با شکست مفتضحانه‌ای روبرو شده است.

در نبرد با خمینی دژخیم در این میدان، رزم دلورانه و همبسته زندانیان و مبارزه افشاگرانه و توضیحی گسترده خارج از زندان و نیز در سطح بین‌المللی کارسازند. زندانیان سیاسی آرش وار بیگان رزم خویش را با پری از جان به پرواز درآورده‌اند. آنان با رزم افتخارآفرین خود ظنین دوباره شعار انقلاب بهمن را که، "زندانی سیاسی! درود خلق ایران بر تو باد!" را گسترده توده‌ای می‌پخشند. در این نبرد پرشکوه، همبستگی و پایداری سلاح کارای زندانیان سیاسی است.

در سراسر میهن و در پهنه گیتی نیز باید از رزم، و سلاح رزم زندانیان سیاسی آموخت. این امر بدین معناست که باید مبارزه برای بازتاب هرچه گسترده‌تر وضعیت زندانیان سیاسی در سطح ایران و جهان را شدت بخشیم و در این راه از تمامی امکانات و نیروها برای انجام

انتشار گزارش سازمان عفو بین‌الملل درباره نقض حقوق بشر در ایران

بودند - را در اوایل سالهای ۸۰، تعطیل کرده است و اجازه ورود به نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و یا هیچ نماینده دیگر موسسات بین‌المللی، به کشور را نداده است. حکومت خونخوار اسلامی همواره بر آن بوده است تا از بازتاب جنایات خود چه در داخل و یا خارج از کشور جلوگیری نماید. اما اخبار این جنایات در داخل کشور توسط سازمانهای سیاسی و وسیع‌بازتاب یافته و زندانیان سیاسی و وسیع‌بازتاب یافته و در خارج از کشور نیز بواسطه فعالیت افشاگرانه سازمانهای انقلابی کشور و موسسات سازمانهای بین‌المللی به گونه‌ای وسیع بازتاب یافته است. بشریت ترقیخواه جهان نسبت به رخدادهای میهن‌مان با مردم رنج‌دیده و تحت ستم ایران احساس ممدردی کرده و همراه توده‌های کشورمان، رژیم آزادی‌کش و آدمی خوار خمینی را محکوم می‌کنند.

گزارش سازمان عفو بین‌الملل درباره نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی که به زبان انگلیسی منتشر شده بود، در سال جاری توسط بخش انتشارات این سازمان به زبان فارسی برگردانیده شد و تحت عنوان "ایران، نقض حقوق بشر"، انتشار یافت. این گزارش حاوی اسناد افشاگرانه‌ای در خصوص کاربرد شیوه‌های غیر انسانی در زندانهای جمهوری اسلامی است. در این گزارش به روند فزاینده دستگیریها و به بند کشیدن دکراندیشان، به استفاده از انواع شکنجه‌های جسمی و روحی، اجرای مجازات اعدام و فقدان حق استفاده از محاکم عادلانه، اشاره شده است. در بخش پایانی نوشتار منتشره از سوی سازمان عفو بین‌المللی، "شهادتنامه" زندانیان سیاسی در خصوص روش‌های معمول شکنجه‌های جسمی و روحی زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی بازتاب یافته است.

گزارش سازمان عفو بین‌الملل درباره نقض حقوق بشر در زندانهای جمهوری اسلامی، گرچه تصویری وضعیت زندانهای رژیم خمینی است، اما همین گزارش بنا به اظهار مسئولین سازمان عفو بین‌الملل، بازتابگر تمام عیار شیوه‌های ددمتشان و غیر انسانی معمول در زندانهای کشور نیست. باید خاطرنشان ساخت که جمهوری اسلامی تمامی دفاتر و موسسات سازمان عفو بین‌الملل - که در واپسین سالهای دهه - ۷۰ میلادی در ایران تاسیس شده

ایران:

نقض حقوق بشر

اسنادی که توسط عفو بین‌الملل برای دولت جمهوری اسلامی ایران ارسال شده است



سازمان عفو بین‌الملل

عفو بین‌الملل اخراج پناهندگان ایرانی از ترکیه را محکوم کرد

در کشورش تحت تعقیب باشد به زور به کشورش برگردانده نخواهد شد" عمل کند.

لیکن این فراخوان همچنان بی‌جواب مانده است، همانگونه که تقاضای این سازمان از دولت ترکیه مبنی بر کسب خبر از وضعیت ایرانیانی که در ترکیه به سر می‌برند و احتمال استردادشان وجود دارد، بی‌جواب ماند. قرارداد ۱۹۵۱ در مورد موقعیت پناهندگان سیاسی را پذیرفته است اما تنها به آن بخشهایی از قرارداد که مسائل اروپا را در برمی‌گیرد، عمل می‌کند.

لوموند شنبه ۳۰ مه ۱۹۸۷

سازمان عفو بین‌الملل، چهارشنبه ۲۷ مه، بازگرداندن حدود ۴۰۰ متقاضی پناهندگی سیاسی ایرانی به کشورشان توسط ترکیه را محکوم کرد. "عفو بین‌الملل" معتقد است که برای این ایرانی‌ها خطر "شکنجه، اعدام یا زندانی شدن به خاطر عقایدشان" وجود دارد. این سازمان به طور خاص برای ۶ فرد فعال در احزاب ملی‌گرای ممنوع در ایران نگران است. این ۶ فرد نوامبر ۱۹۸۶ توسط پلیس ترکیه به پلیس ایران تحویل داده شدند.

عفو بین‌الملل دولت ترکیه را به پایان دادن این اعمال فرامی‌خواند و خواستار است که این دولت به تعهداتش که بنابر آن "هیچ ایرانی که

تصحیح و پوزش

در شماره ۱۶۰ نشریه اکثریت، در تایپ و تنظیم مطالب اشتباهاتی رخ داد که با پوزش از خوانندگان بدین ترتیب تصحیح می‌شود، در صفحه ۲ ستون سوم سطر پنجم "این بار" زائد است. در صفحه ۷ در زیر نویسنده "پذیرفته شدگان" غلط و "پذیرفته نشدگان" درست است. در صفحه ۱۰ ستون چهارم سطر چهارم "۱۹۸۵" و "۱۹۸۴" درست است. در صفحه ۱۱ ستون دوم سطر هشتم "دست" غلط و "پست" درست است.

انتخابات در بریتانیا

در روز پنجشنبه ۱۱ ژوئن، انتخابات پارلمان (مجلس عوام) بریتانیا انجام گرفت. حزب محافظه کار مارگارت تاچر نخست وزیر بریتانیا در این انتخابات توانست اکثریت کرسیهای مجلس عوام را به خود اختصاص دهد. علت اصلی این پیروزی، قاضون انتخابات بریتانیا بود. طبق این قاضون، در هر حوزه انتخاباتی نامزدی که اکثریت نسبی (و نه مطلق) آرا را به خود اختصاص دهد، به مجلس راه خواهد یافت. بدین ترتیب حزب محافظه کار توانست تنها با کسب ۴۳/۱ درصد آرا، در ۶۴۶ حوزه انتخاباتی که شمارش آرای آنها تا هنگام تنظیم این خبر پایان یافته بود، ۳۹۲ کرسی به دست آورد. پارلمان بریتانیا ۶۵۰ نماینده دارد. حزب کارگر درصد آرای خود را از ۲۷/۷ به ۲۱/۷ و شمار نمایندگان خود را از ۲۰۶ به ۲۲۹ (تا هنگام تنظیم گزارش) افزایش داد. اما با آنکه مجموع آرای حزب کارگر و ائتلاف سوسیال دمکراتها و لیبرالها از محافظه کاران بیشتر بود، جمع ۲۲۹ کرسی حزب کارگر و ۲۲ کرسی سوسیال دمکراتها و

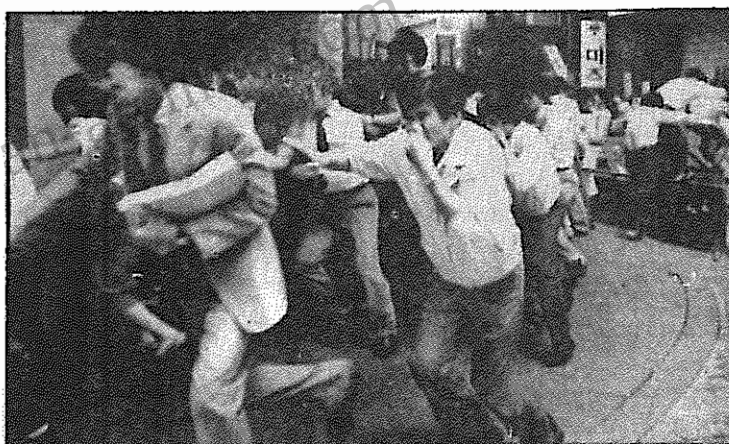
لیبرالها فاصله زیادی با شمار نمایندگان محافظه کار دارد.

نیل کیناک رهبر حزب کارگر پس از اعلام نتایج انتخابات گفت با پیروزی تاچر جامعه بریتانیا به میزانی بیش از پیش به فقیر و غنی تجزیه خواهد شد.

محافظه کاران تبلیغات انتخاباتی خود را بر عوام فریبی درباره "مالک کردن همه مردم" استوار کرده بودند. شعار محوری برنامه انتخاباتی تاچر خصوصی کردن کارخانجات و تشویق سرمایه گذاریها بود. برنامه حزب کارگر شامل وضع مالیات بر ثروت برای ایجاد اشتغال و بهبود سیستم رفاه و بهداشت عمومی و نیز خلع سلاح یکجانبه هسته ای بود.

مهمترین بازنده انتخابات بریتانیا، سوسیال دمکراتها و لیبرالها بودند که ۲ درصد آرا و ۵ کرسی پارلمانی را از دست دادند. این ائتلاف امیدوار بود بتواند جای حزب کارگر را به عنوان حزب عمده اپوزیسیون بگیرد.

تظاهرات علیه دیکتاتوری در کره جنوبی



صحنه ای از تظاهرات هفته گذشته در سئول

جمعه گذشته برای سومین روز پیاپی تظاهرات مردمی گسترده ای علیه رژیم دیکتاتوری چون دو هوان در کره جنوبی صورت گرفت. در سئول پایتخت این کشور تظاهرات مزبور به درگیریهای خیابانی میان مردم و پلیس کشیده شد. انبوه مردم شعار می دادند "سرنگون باد دیکتاتوری نظامی". در برابر یورش پلیس، مردم با پرتاب سنگ از خود دفاع می کردند. تظاهرات مردم در دفاع از ۳۰۰ دانشجوی متحصن در یک کلیسا انجام گرفت. پلیس این دانشجویان را از چهارشنبه گذشته محاصره کرده است و قصد دارد آنها را دستگیر کند.

از هنگام قطع مباحث پیرامون اصلاح قانون اساسی بدستور ژنرال چون دو هوان در ماه آوریل گذشته، اعتراضات توده ای بطور مستمر ادامه داشته است. اما این نخستین بار طی چند سال اخیر است که تظاهرات مردمی در سئول بیش از یک روز ادامه یافته اند. در گذشته تاکتیک پلیس که پس از

پرتاب گاز اشک آور، مردم را از محل تظاهرات برانگیز می ساخت، عمدتاً موفق بود. اما در تظاهرات هفته گذشته، مردم به مقاومت ادامه دادند. پلیس در طول روز جمعه دهها بار به تاکتیک همیشگی خود متوسل شد اما مردم بلافاصله در خیابان بعدی گردهم می آمدند و شعار "سرنگون باد دیکتاتوری نظامی" دوباره طنین افکن می شد. در دومورد در روزهای چهارشنبه و جمعه، مردم موفق شدند یک واحد ۲۰ نفره پلیس را مورد حمله فرار داده و متواری سازند.

از سوی دیگر "حزب عدالت دمکراتیک"، حزب حاکم کره جنوبی، روتانه و راه سمت نامزد احراز جانشینی چون دو هوان دیکتاتوری کره جنوبی برگزید. روتانه و پس از انتخاب خود، اعلام کرد که خواست مردم دایر بر از سرگیری مباحث پیرامون اصلاح قانون اساسی به منظور تأمین حق انتخاب مستقیم رئیس جمهور به جای انجام انتخابات در یک مجمع محدود ۱۰۰ نفره، تحقق خواهد یافت.

حکومت نظامی در پایتخت پاناما

پدشال تظاهرات و اعتراضات توده ای در پاناما سیتی، پایتخت پاناما، جمعه گذشته در این شهر حکومت نظامی برقرار کرد. دید نظامیان کنترل شهر را در دست گرفتند و مقررات منع عبور و مرور اعلام شد. آزادیهای دمکراتیک، از جمله آزادی بیان، آزادی اجتماعات و مصونیت از تفتیش و بازداشت معلق گردید. دو روزنامه بزرگ مخالف دولت در اعتراض به سانسور برقرار شده از سوی حکومت اریک آرتورو دلوال رئیس جمهور پاناما انتشار نیافتند.

طی سه روز تظاهرات از ششم تا یازدهم ژوئن، مردم خواهان برکناری فرماندهان نیروهای مسلح شدند. در جریان تظاهرات مردم، درگیریهایی با پلیس رخ داد.

ناآرامیها هنگامی آغاز شد که سرهنگ هوپرتو دیاز هرار رئیس بازنشسته ستاد ارتش، ژنرال مانوئل آنتونیو نوریکا فرمانده نیروهای مسلح پاناما را متهم ساخت که در قتل ژنرال عمر توریکسوس رهبر سابق پاناما در سال ۱۹۸۱ شرکت داشته است. رئیس سابق ستاد ارتش همچنین فرمانده نیروهای مسلح را به اعمال نفوذ در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۹۸۴ و صدور دستور قتل هوکواسپادا فورزا از رهبران اپوزیسیون پاناما در سال ۱۹۸۵ متهم ساخت.

ژنرال عمر توپیکوس رهبر پیشین پاناما که در سال ۱۹۸۱ بگونه ای اسرارآمیز کشته شد، در "لیست سیاه" سرویس جاسوسی آمریکا قرار داشت. دولت وی قانون ملی کردن کانال پاناما را به اجرا گذاشته بود، امری که به انحصارات آمریکایی لطمه ای جدی وارد آورد.

اخبار کوتاه

● همزمان با دیدار ریکان از برلن غربی و آلمان فدرال، علیه این دیدار تظاهرات گسترده ای صورت گرفت. در برلن غربی ۲۰ هزار تن علیه سیاستهای دولت آمریکا تظاهرات کردند. در روز شنبه ۱۲ ژوئن، بن پایتخت آلمان فدرال شاهد تظاهرات دهها هزار نفره برای تحقق خلع سلاح هسته ای و علیه مشی دولت آمریکا و دولت آلمان فدرال بود.

● کارکنان موسسات دولتی بریتانیا برای دستمزد بیشتر و شرایط کار بهتر دست به اعتصاب زده اند. در این اعتصاب صدها هزار تن از معلمان و سایر ماموران و کارمندان دولتی شرکت دارند.

● به مناسبت اولین سالگرد برقراری حکومت نظامی در آفریقای جنوبی، اعتراضات گسترده ای علیه رژیم آپارتاید در این کشور انجام گرفت. در این رابطه تظاهراتی با شرکت هزاران نفر به دعوت "جبهه متحد دمکراتیک" در سوتو برگزار شد.

● بوتو رئیس رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی چهارشنبه گذشته حکومت نظامی در این کشور را که مهلت آن به پایان رسیده بود، تمدید کرد. وی بار دیگر مذاکره با رهبران کنگره ملی آفریقا را رد کرد و گفت، ما با این افراد شمه مذاکره، بلکه مبارزه می کنیم.



در روز سه شنبه دوم ژوئن سال جاری در برلن غربی، در محلی که ۲۰ سال پیش پلواوشه زورگ دانشجوی مترقی آلمانی طی تظاهرات علیه دیدار شاه از این شهر به ضرب گلوله پلیس کشته شد، مراسم یادبودی با شرکت هزاران تن از مردم ترقیخواه برلن غربی برگزار شد. در کنار تابلویی با عکس پیکر خونین پلواوشه زورگ، دسته‌های گل از سوی احزاب، سازمانها و شخصیت‌های دمکرات قرار گرفته بود. سخنرانان با اشاره به سکن مبارزه نیروهای ضد امپریالیست در آلمان فدرال و برلن غربی در همبستگی با مبارزات مردم ایران علیه رژیم‌های دیکتاتوری، خواهان ادامه این سنت‌ها با تشدید کارزار دفاع از مقاومت در برابر رژیم خمینی و مقابله با ادامه جنگ ایران و عراق شدند.

روایتی دیگر از فقیه در باب اجاره زن

درج کرده است. چنانکه گفته شد در بحث امور خانواده در جمهوری اسلامی و مطابق قوانین اسلامی، سروری بی‌چون و چرای مرد مناسبت. حجت الاسلام مزبور بمناسبت "هفته بهداشت روانی" سخن پرانی کرده و مجموعه آن را "مسائل روانی و لنگرهای ثبات" لقب داده است. بدیهی است که در نظرگاه حکومت فقهی روان پریش، مسائل روانی تماماً محصول "کم‌زنی" است و اصولاً جنگ و حقه کردن قواعد فسیل شده به مناسبات اجتماعی، باعث "تعالی روح" و "والائی" شخصیت انسان می‌گردد. از اینرو حاشی شیرازی نیز به سیاق معمول، "مسائل روانی" را محصول تک همسری و "لنگرهای ثبات" را چند همسری معرفی می‌کند.

چکیده سخنان وقیحانه نماینده ولی فقیه اینست که ازدواج دائم گران تمام می‌شود و باید "ازدواج موقت" - که همان اجاره جنسی زنان بقیه در صفحه ۹

بروقاحت و بی‌شرمی رژیم ولایت فقیه نمیتوان مرز وحشی قائل شد. این رژیم، حکومت سرکوب و تحقیر انسان و انسانیت است. مذهب در قدرت، در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی کشور و حتی بر حقوق فردی نیز چنگال فرو برده است. تحقیر شخصیت انسانی مضمون فعالیت "اجتماعی - فرهنگی" رژیم را تشکیل می‌دهد، و آنگاه که بحث مسائل خانوادگی و زناشویی پیش کشیده می‌شود، همه حقوق زنان انکار می‌شود و زن وسیله هوسرانی شناخته می‌گردد. در قاموس اینان، زن برده است و از اینرو توانشان را بر آن گذاشته‌اند، تا شخصیت آزاده زن قرن حاضر را که محصول مبارزه‌ای طولانی است، در قالب شخصیت برده‌ای مطیع و فرمانبر مستحیل نمایند.

اخیراً روزنامه رسالت ۷ خرداد ماه گزیده‌های از سخنان وقیحانه یکی از فقها (حجت الاسلام حاشی شیرازی - نماینده خمینی و امام جمعه شیراز) را پیرامون مسائل خانوادگی

منتشر شد

شماره ۱۶ نشریه "آموزش‌هایی از انقلاب و سوسیالیسم" منتشر شد. در این شماره مقالات زیر را می‌خوانید:

۱- سازمان درباره کاپیتان دومایی این مقاله، نوشته کوتاهی از ولادیمیر ایلچ لنین است که در آن جوهر اپورتونیستی استدلالی برملا می‌شود که می‌گوید "باید میان شر موجود و یک اصلاح بسیار کوچک در آن شر، یکی را انتخاب کرد، زیرا عده بیشتر آنانی که از شر کنونی ناراضی‌اند طرفدار اصلاح "بسیار کوچک" می‌باشند. مایس از آن که این خرد راه دست آوردیم، باهمین (چیز خرد) مبارزه برای کلان را به خود آسان‌تر خواهیم کرد." لنین در این مقاله چنین استدلالی را "استدلال اصلی و تیپیک همه اپورتونیست‌ها در سراسر جهان" می‌نامد.

۲- بخشی از مقاله "سوسیال دمکراسی و دولت موقت انقلابی"

این مقاله نیز توسط لنین نگاشته شده است و در آن نظریات انحرافی "پاروس" و تروتسکی در زمینه جایگاه طبقه کارگر در دولت موقت انقلابی شقادی می‌شود.

۳- کار مارکسیست - لنینیست‌ها در میان توده‌ها



نوشته و. سوخانو، و. س. یاکوولیف
۴- کارگرزدگی و "پوپولیسم" - دو انحراف

برگرفته از نشریه "اوم سه‌پنزی"، صدای حزب کمونیست آفریقای جنوبی

۵- حزب - مستقل و متکی به خود، میهن‌پرست و انترناسیونالیست نوشته آلوارو کونیا، دبیر کل حزب کمونیست پرتغال

۶- نوسازی، وجه فلسفی نوشته فیودور بولاتسکی

۷- مبارزه پلشویکها با شبکه اطلاعاتی تزارسم در دوره ارتجاع (سالهای ۱۹۱۰-۱۹۰۷)

نوشته آ. ب. کزنف

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك «کوین بین المللی پستی» و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

اروپا	دیگر نقاط
بهای اشتراك	بهای اشتراك
شش ماهه	شش ماهه
یک ساله	یک ساله
۱۴ مارک	۱۶ مارک
۲۷	۳۰

اروپا	دیگر نقاط
بهای اشتراك	بهای اشتراك
سه ماهه	سه ماهه
شش ماهه	شش ماهه
یک ساله	یک ساله
۳۳ مارک	۳۶ مارک
۶۴	۷۰
۱۲۵	۱۳۸

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 161

MONDAY, 15 JUN, 87

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA .WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید